

۱۰۰۰
مطهر

محدثی

مختصان
سلام

اکھلم اطیب

سید عالم خان مدرس سیراز

ترجمہ و تصحیح : سید محمد ہادی کلامی

.....
مطهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مهدی

مخلصان
سلام

ترجمہ کتاب

اکھلم الطیب

سید علم خان مدثر شیروزر

ترجمہ و تصحیح:

سید محمد ہادی کلامی

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۹	دعا و نیایش
۱۲	به یاد او باشیم
۱۷	نگاهی به زندگانی مؤلف
۱۷	تولد و نشأت
۱۸	گفتار علما درباره او
۱۹	مشایخ و اساتید، راویان و شاگردان
۲۰	تالیفات
۲۲	وفات و مدفن
۲۳	کتاب حاضر و ترجمه آن
۲۷	ترجمه کتاب الکلم الطیب
۲۹	مقدمه مؤلف
۳۰	فضیلت دعا
۳۱	مقدمه‌ای در آداب دعا

- ۳۷ [ادعیه و زیارات]
- ۳۷ ۱- ذکر دعایی جلیل
- ۳۷ ۲- دعایی که بر پوست آهو می‌نویسند
- ۳۸ ۳- دعای اعطایی امام زمان علیه السلام به حاج علی مکی برای خلاصی از مشکلات
- ۴۰ ۴- دعای منقول از حضرت حجت علیه السلام برای کسی که چیزی را از دست داده است
- ۴۱ ۵- حرزی که مانع بریدن شمشیر شد
- ۴۳ ۶- دعایی مجرب برای دنیا و آخرت
- ۴۳ ۷- دعایی از امام صادق علیه السلام برای قضای حوایج
- ۴۴ ۸- دعایی مجرب برای دفع بیماری‌ها
- ۴۴ ۹- دستوری منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تب
- ۴۵ ۱۰- دعایی منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در بلایا خوانده می‌شود
- ۴۵ ۱۱- دعای تعلیمی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام برای خلاصی از حبس
- ۴۶ ۱۲- دعایی که در سختی‌ها خوانده می‌شود
- ۴۶ ۱۳- دعا برای کسی که از فردی ترس دارد
- ۴۷ ۱۴- دعایی برای دفع دشمن و تسلط او
- ۴۷ ۱۵- دعایی از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فرج و گشایش
- ۴۷ ۱۶- دعایی برای از بین بردن دشمنان و ریشه کن کردن آنها
- ۴۸ ۱۷- دعایی برای حوایج بزرگ
- ۵۰ ۱۸- دعایی در توبه
- ۵۰ ۱۹- دعایی از امام صادق علیه السلام برای رفع سختی‌ها
- ۵۰ ۲۰- دعایی از امام کاظم علیه السلام برای قضای دین
- ۵۱ ۲۱- دستوری مجرب از امیرالمؤمنین علیه السلام برای کسی که حاجت مهمی دارد
- ۵۱ ۲۲- ذکر خاصیتی برای سوره اخلاص
- ۵۱ ۲۳- دعایی برای فرج و گشایش
- ۵۳ ۲۴- نمازی برای کسی که هیچ چاره‌ای ندارد

فهرست ❀ ۷

- ۲۵ - نمازی مجزّب برای برآوری حوایج ۵۳
- ۲۶ - دعایی که بعد از نماز خوانده می‌شود ۵۴
- ۲۷ - دعایی عجیب که در هنگام نزول بلا خوانده می‌شود ۵۵
- ۲۸ - دعایی برای حاجت ۵۶
- ۲۹ - دعایی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برای آزادی از حبس ۵۶
- ۳۰ - دعایی از امام صادق علیه السلام برای ایمنی از شر دشمنان ۵۷
- ۳۱ - دعایی که آدم علیه السلام آن را خواند و خداوند توبه‌اش را پذیرفت ۵۹
- ۳۲ - صلواتی که امیر طولون مصری را به جاه و مقام رساند ۶۰
- ۳۳ - دعایی برای رفع شر دشمنان ۶۱
- ۳۴ - دعایی برای گشودن درهای خیر ۶۱
- ۳۵ - دعایی از امام کاظم علیه السلام که حاضر غلام یحیی را از قتل نجات داد ۶۲
- ۳۶ - دعایی برای قرض و ادای دین ۶۳
- ۳۷ - اسم اعظم خدا ۶۴
- ۳۸ - دعای فرج ۶۵
- ۳۹ - دعای لطیف ۶۶
- ۴۰ - دعای امان ۶۷
- ۴۱ - رؤیای صادق ابوالوفای شیرازی و شیوه توسّل به چهارده معصوم علیهم السلام ۶۸
- ۴۲ - اسم اعظم خدا ۷۷
- ۴۳ - رقعهای از مرحوم شیخ بهایی رحمته الله برای ابطال سحر ۷۸
- ۴۴ - دستور دیگری برای ابطال سحر ۷۸
- ۴۵ - استغاثه « سلام الله الكامل » به محضر حضرت حجّت علیه السلام ۷۹
- ۴۶ - آیاتی مجزّب برای پنهان ماندن از چشم دشمنان ۸۱
- ۴۷ - دعای احتجاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام موسوم به حرز سلطان الاولیا ۸۲
- ۴۸ - دستوری خاصّ برای تسبیح حضرت زهرا علیها السلام ۸۴
- ۴۹ - دعایی برای رفع غم و طلب حاجات ۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش‌گفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ وَ خَلَقَ
الْأَشْيَاءَ نَاطِقَةً بِحَمْدِهِ وَ شُكْرِهِ. وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ
عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ الْمُشْتَقِّ اسْمُهُ مِنْ اسْمِهِ الْمَحْمُودِ وَ
عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ أَوْلِيَ الْمَكَارِمِ وَ الْجُودِ.

دعا و نیایش

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾^۱

بگو اگر دعای شما نبود پروردگارم به شما اعتنایی نمی‌کرد.

دعا یکی از عمیق‌ترین اعتقادات الهی است که انسان موحد از آن غافل نمی‌شود. شاید بتوان گفت در تمامی ادیان الهی موضوع دعا وجود داشته و دارد، به‌ویژه در مورد برخی از ادیان - مانند مسیحیت - گفته می‌شود که برترین عمل عبادی آنان دعاست.

طبیعتاً این اجماع و اتفاق نظر مکاتب مختلف، نشان دهنده حقیقت و اصالت دعا در دین می باشد.

از طرف دیگر می توان گفت از آن جهت که ادیان در صدد ارائه برنامه‌ای کامل برای سعادت انسان بوده‌اند و دعا در تمامی این برنامه‌ها وجود داشته است لذا یکی از عوامل اساسی در تکامل و سعادت بشری دعا می باشد که گرد و غبار گذر زمان بر آن اثری نمی گذارد. بدیهی است در این میان دین اسلام که داعیه دار خاتمیت و اکملیت ادیان است باید دارای معارفی غنی و والا در دعا باشد.

آیه فوق توجه ویژه اسلام را به موضوع دعا نشان می دهد. خداوند به پیامبر خود خطاب می کند که پیام مهمی را به بندگانش برساند، به آنها ابلاغ کند که اگر خدای خویش را نخوانند خداوند به آنان اعتنایی نمی کند. در این آیه شرط توجه خداوند، دعا دانسته شده است. و البته اهل فن آگاهند که چنین تعبیری درباره دیگر مناسک دینی کمتر به کار رفته و یا اصلاً به کار نرفته است.

ممکن است برخی گمان کنند که مراد از دعا در این آیه عبادت است، مرحوم ابن طاووس رحمته الله به صراحت ضمن رد این نظر تأکید می کند که دعا در این آیه به معنای دعای مفهوم در عرف شرع است. به هر حال دعا شامل تذکر و تنبّه به سوی خداوند است که وجود قادری مطلق و بی نیاز را به انسان یادآوری می کند و سبب ایجاد نیاز و خضوع در هر انسانی می شود و هر در مانده‌ای حتی بزرگترین

گردنکشان در هنگام قطع امید از همه‌جا به خداوند روی می‌آورند و در سویدای دل خود در جستجوی دست غیبی هستند که آنان را یاری کند.

همه این موارد نشان‌دهنده آن است که راز و نیاز و یاد کردن معبود یکی از خصوصیات فطری انسان است که هر فرد پاک‌ضمیری به آن توجه دارد و در طول زندگی خود از آن غافل نمی‌شود.

البته خداوند تعالی نیز بندگانی که او را یاد می‌کنند و به‌سویش توجه دارند دوست می‌دارد.

خداوند تعالی به موسی علی نبینا و آله و علیه السلام فرمود:

أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذَكَرَنِي^۱.

من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.

همچنین خداوند تعالی به حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام

فرمود:

يَا عِيسَى اذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ اذْكُرْكَ فِي نَفْسِي.....^۲

ای عیسی مرا در پیش خود یاد کن تا من تو را در نزد خود یاد کنم.

آری این رابطه‌ای دو جانبه است، رابطه خالق و مخلوق، ذاکر و

مذکور، عابد و معبود و محب و محبوب است.

حال باید پرسید وقتی راز و نیاز با خداوند و خواندن او از چنین

۱- خلاصة الأذکار و اطمئنان القلوب، چاپ سنگی به سال ۱۳۱۱ هـ. ق در ضمن رسائل

فیض، ص ۵۴.

۲- همان مدرک، ص ۵۶.

جایگاهی برخوردار است پس چرا برخی هنوز از این موضوع غافلند و کمتر پروردگارشان را یاد می‌کنند؟!

مگر خداوند وعده اجابت فرموده است؟ مگر دعا از افضل عبادات نیست؟ مگر خداوند فرموده ذاکرین خود را یاد می‌کند؟ مگر نه این است که هیچ کس بدون اذن خدا نمی‌تواند خیری به ما برساند؟ آیا مادر تمام هستی خود فقیر نیستیم؟ که خودش فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»

ای مردم شما محتاجان به سوی خداوندید.

آری پاسخ این است که تا شخص این موارد را باور نکند راه به جایی نمی‌برد و پند و اندرز در او اثری ندارد.

امید آنکه همگی وعده الهی را باور کنیم و سر بر آستان بندگی اش ساییم و شب و روز را با یاد او به سر آریم.

به یاد او باشیم

اکنون سیاهی گناهانمان بر سرمان سایه افکنده و از درک فیض حضور حجت زمان محرومیم و هر روز با اعمال خود جراحات قلب رنج‌کشیده ایشان را بیشتر می‌کنیم.

دیرزمانی است که فراموش کرده‌ایم در این دوران تاریک غیبت نه تنها از وظایف ما کاسته نشده است بلکه وظیفه سنگین تری داریم، رسول خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمودند:

الْمُتَمَسِّكُ بِإِمَامَتِهِ مُوسِعٌ عَلَيْهِ جَمِيعُ فَرَائِضِ اللَّهِ الْوَاجِبَةِ

عَلَيْهِ، مَقْبُولَةٌ مِنْهُ بِحُدُودِهَا، غَيْرُ خَارِجٍ عَنِ مَعْنَى مَا فُرِضَ عَلَيْهِ، فَهُوَ صَابِرٌ مُخْتَسِبٌ، لَا تَضُرُّهُ غَيْبَةُ إِمَامِهِ^۱.

کسی که - در دوران غیبت او - به ریسمان امامتش چنگ زند، تمام فرایض الهی برای او - مانند دوران حضور - واجب است که فقط با رعایت حدود و شرایطش پذیرفته می‌شود و چنین نیست که - به خاطر دوران غیبت - از آنچه که برایش واجب شده است مورد عفو قرار گیرد.

پس چنین شخصی در این حالت دارای مقام صبر شده و اجرش نزد خدا محفوظ است و غیبت امام به او زیانی نمی‌رساند.

گرچه اگر هم خداوند توفیق دهد و اندکی با وظایفمان آشنا شویم^۲ و پس از آن ما را موفق بدارد به برخی از آنها عمل کنیم باز به درگاهش عرضه می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَةَ
وَلِينَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَطَاهُرَ
الزَّمَانِ عَلَيْنَا^۳.

بارخدایا، ما به تو شکایت می‌کنیم به خاطر نبود پیامبرمان - که درود تو بر او و خانواده‌اش باشد - و به خاطر غیبت امامان و به خاطر زیادی دشمنانمان و کمی تعداد خودمان و به خاطر سختی گرفتاریهایمان و به خاطر فشار روزگار بر ما.

۱ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲ - برخی از علما وظایف متعددی برای دوران غیبت ذکر کرده‌اند که عدد آنها به بیش از ۸۰ مورد می‌رسد. (ر.ک: مکیال المکارم، آیه‌الله موسوی اصفهانی: نجم ثاقب، محدث نوری، بیوند معنوی، صدرالاسلام همدانی).

۳ - مفاتیح الجنان، اعمال ماه رمضان، دعای افتتاح.

تا او نیاید دردی از دردهای هزاران ساله‌اش پایان نمی‌پذیرد و همواره بر مصیبت خودش و اجداد طاهرینش می‌گریزد. اما از ما چه ساخته است؟! خداوند باید به او اذن دهد:

وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ^۱

و اما امر فرج به دست خداوند است.

این درست است اما! ما در مکتب او این را نیز آموخته‌ایم که:

وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ^۲

برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید که همین فرج و گشایش شماست.

از وظایف مهم شیعیان در دوران غیبت کبری دعا برای ظهور و فرج آن حجّت به حق و ولیّ عصر امام زمان علیه السلام است که این مطلب از طرق مختلف عقلی و نقلی قابل اثبات است و روایت فوق فضیلت این کار را به روشنی نشان می‌دهد.

بلکه شاید بتوان گفت تنها راه نجات از فتنه‌های این زمان دعا برای ایشان است.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمودند:

وَاللَّهِ لَيُعَيِّنَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو مِنَ الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ، وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ
فَرَجِهِ^۳

۱- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۷

۲- غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۷.

۳- مکالم المکارم، ج ۱، ص ۳۲۷.

به خدا سوگند غیبتی خواهد داشت که در آن هیچ‌کس از هلاکت نجات نخواهد یافت مگر کسی که خداوند عزوجل او را در اعتقاد به امامتش ثابت‌قدم دارد و او را موفق بدارد که برای تعجیل فرجش دعا کند.

از این رهگذر می‌توان گفت که نخستین حاجت ما به درگاه خداوند گشایش در امر فرج حضرت صاحب الامر علیه السلام است، در چنین حالی برخی برای ایشان به هر لفظی و در هر قالبی دعا می‌کنند که بسیار خوب است، اما عده‌ای دیگر که به سنت جاریه خداوند آگاهند زیرکانه از دعاهایی استفاده می‌کنند که از ناحیه بابرکت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است. برخی نیایش‌ها مانند دعای فرج به‌طور خاص برای این مطلب است و برخی دعاها برای قضای حوایج وارد شده است که بهتر است این دعاها را به نیت تعجیل در فرج بخوانیم.

یکی دیگر از وظایفی که برای دوران آخر الزمان بیان شده توسط و استغاثه به امام زمان علیه السلام است^۱ و در این زمینه هم ادعیه و اعمال زیادی در کتب مربوطه نقل شده است.

مهمترین عامل برای در امان بودن از فتنه‌های اعتقادی و گرفتاری‌های دنیوی رابطه داشتن با حضرت حجّت علیه السلام است و هرکس که به ریسمان ولایت بیشتر چنگ زده از مشکلات راحت‌تر خلاص شده است، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در خصوص آیه:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا ﴾^۲

۱- صاحب کتاب مکیال، وظیفه ۴۷ و ۴۸ را به این امر اختصاص داده است.

۲- آل عمران: ۲۰۰.

چنین نقل شده است :

إصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ ، وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ ، وَ رَابِطُوا
إِمَامَكُمْ الْمُتَنَتِّرَ .^۱

بر انجام واجبات صبر پیشه کنید و آن قدر صبر کنید تا بر دشمنانتان
غلبه کنید و با امامی که انتظارش را می کشید رابطه دائمی داشته
باشید.



یکی از کتابهای مهجوری که می تواند ما را در تحقق دو وظیفه
فوق یاری کند کتاب «الکلم الطیب» مرحوم سید علی خان شیرازی
است که بسیاری از دعاهای آن در کتب معروف مثل مفاتیح الجنان
نقل نشده بود، این انگیزه و همچنین احیای این کتاب ارزشمند
زمینه چاپ و نشر آن را به صورتی منقح فراهم آورد که امیدواریم
موجبات رضایت مخاطبین را فراهم آورد.

و السلام علی من اتبع الهدی

سید محمد هادی گرامی

نگاهی به زندگانی مؤلف

تولد و نشأت

سید علی خان، صدر الدین، علی بن احمد بن محمد معصوم بن احمد حسینی مدنی شیرازی از بزرگان علمای امامیه در قرن یازدهم هجری می باشد. نسب او با ۲۷ واسطه به محمد بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام منتهی می شود.

او در شب شنبه پانزدهم جمادی الاول سال ۱۰۵۲ هـ. ق در مدینه متولد شد و در آنجا مشغول تحصیل علم گشت تا اینکه به حیدرآباد هند هجرت کرد، پدر او سید نظام الدین احمد فاضل و ادیب در حیدرآباد هند بود و دختر والی حیدرآباد - عبدالله قطب شاه - را به همسری گرفته بود. در آنجا شروع به تألیف کتاب «سلافة العصر» کرد تا اینکه پدرش در سال ۱۰۸۶ هـ. ق فوت کرد.

پس از فوت پدر به «برهان پور» نزد سلطان «اورنگ زیب» رفت و سلطان او را حاکم بر ۱۳۰۰ نفر از اهل فارس کرد و لقب «خان» را به او داد. زمانی که سلطان به سرزمین «احمد نگر» رفت، او را به

حراست از «اورنگ آباد» نهاد، سپس او را والی «لاهور» و توابعش کرد و پس از آن او را والی دیوان «برهان پور» کرد. شایان ذکر است که جناب سید علی خان ۴۸ سال در هند اقامت داشت.

بعد از مدتی سید برای زیارت و سفر به حجاز رخصت طلبید، پس از انجام حج ائمه عراق علیهم السلام را زیارت کرد و پس از زیارت مشهد الرضا علیه السلام به اصفهان آمد. زمامدار وقت شاه حسین صفوی بود که سید را بسیار تکریم کرد. بالاخره سید به وطن اصلی خود شیراز بازگشت و در آنجا اقامت فرمود و مرجع فضلا گشت و مقر بحث و تدریسش مدرسه منصوریه شیراز بود.

گفتار علما درباره او

۱- صاحب روضات الجنات درباره سید چنین می گوید:^۱
ایشان از بزرگان علمای بارعین و مفاخر فضلالی جامعین بودند که در علوم ادبی و لغت عرب ماهر بودند و همچنین از ناقلین احادیث امامیه بودند و در مراتب سیاسات مدنی و ریاسات دنیوی و دینی مقدم بودند.

۲- جناب شیخ حرّ عاملی رحمته الله در أمل الأمل به نقل صاحب روضات چنین می گوید:^۲

۱- و كان من أعظم علمائنا البارعين و أفاخر نبلاتنا الجامعين صاحب العلوم الأدبية و الماهر في اللغة العربية و الناقل لأحاديث الإمامية و المقدم في مراتب السياسات المدنية و الرياسات الدنيوية و الدينية. (روضات الجنات، ص ۳۹۸ چاپ سنگی به سال ۱۳۶۸ هـ. ق).

۲- من علماء العصر عالم فاضل ماهر أديب شاعر له كتاب سلاقة العصر في محاسن أعيان العصر حسن جيد. (روضات الجنات، ص ۳۹۸ چاپ سنگی به سال ۱۳۶۸ هـ. ق).

از علمای این زمان می‌باشند که عالم و فاضل و ماهر و ادیب و شاعر هستند، کتاب سلافة العصر فی محاسن اعیان العصر از ایشان است که بسیار نیکوست.

۳- محدث قمی رحمته الله درباره ایشان چنین می‌گوید: ^۱

سید نجیب، جواهر شگفت‌آور، عالم، فاضل، ماهر، ادیب، منشی، کاتب، کامل، زبردست و جامع تمامی کمالات و علوم، و کسی که مقام او در فضل و ادب معلوم است.

۴- مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در مقام نقل از این کتاب چنین

می‌گوید: ^۲

در کتاب الکلم الطیب و الغیث الصیب از تألیفات سید مؤید متبحر سید علی‌خان شارح صحیفه سجادیه

اهل فن می‌دانند که چنین نقل قولی بسنیار نادر است و دلالت بر شأن والای سید دارد. زیرا مرحوم مجلسی و سید معاصر بوده‌اند و حتی مرحوم سید اندکی از علامه مجلسی متأخر بودند و کمتر اتفاق می‌افتد که دو عالم معاصر از یکدیگر نقل قول کنند مگر اینکه مؤلف و مؤلف در درجه بالایی از اعتبار قرار داشته باشند. به هر حال چنین نقل قولی نشان‌دهنده جلالت قدر سید و اهمیت کتاب ایشان است.

۱- السید النجیب و الجوهر العجیب العالم الفاضل الماهر الأديب و المنشی الکاتب الکامل الأریب الجامع لجميع کمالات و العلوم و الذي له فی الفضل و الأدب مقام معلوم. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۴۵).

۲- فی کتاب الکلم الطیب و الغیث الصیب للسید الأید المتبحر السید علی‌خان شارح الصحیفه (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۲۶).

مشایخ و اساتید، راویان و شاگردان

تبخر سید در علوم مختلف نشان می‌دهد که ایشان از بزرگان زیادی استفاده کرده‌اند، از آن جمله‌اند:

۱- به طریق اجازه از استاد خود شیخ جعفر بن کمال الدین بحرانی (متوفای ۹۱۱ ه.ق)

۲- پدرش نظام الدین احمد.

۳- علامه مجلسی رحمته الله صاحب بحار.

۴- شیخ علی بن شیخ فخر الدین محمد بن شیخ حسن بن شهید الثانی (متوفای ۱۱۵۴ ه.ق).

و همچنین عده‌ای از بزرگان به طریق اجازه از ایشان نقل می‌کنند:

۱- سید محمد حسین بن محمد صالح خاتون آبادی سبط علامه مجلسی رحمته الله (متوفای ۱۱۰۱ ه.ق).

۲- شیخ باقر بن محمد حسین مکی.

۳- علامه مجلسی رحمته الله.

تالیفات

مرحوم سید علی خان در علوم مختلف تبخر داشتند. از این جهت تالیفات ایشان به یک زمینه محدود نمی‌شود، گرچه بسیاری از آنها در ادبیات عرب است؛ از جمله تالیفات ایشان:

۱- ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، کتابی

است جامع و دارای نکات و مطالب دقیق، این کتاب مشهورترین

اثر ایشان است و همین طور در میان شروحنی که تا به حال بر

- صحيفة سجادية نوشته شده از همه شهرت بیشتری دارد.
- ۲- نعمة الأغان في عشرة الإخوان، ارجوزه‌ای است که تمام آن در کشکول شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق آمده است.
- ۳- سلوة الغریب و أسوة الادیب، درباره مهاجرت او به حیدرآباد (سال ۱۰۶۸ ه.ق) می باشد.
- ۴- انوار الزبیع فی انواع البدیع، شرح منظومه خود مؤلف است در علم بدیع.
- ۵- الکلم الطیب و الغیث الصیب که کتاب حاضر است.
- ۶- الحدائق الندیة فی شرح الصمدیة، شرح صمدیة شیخ بهایی رحمته الله است.
- به گفته صاحب روضات این کتاب بسیار نیکوست که مانند آن در علم نحو تصنیف نشده است که در آن اقوال تمامی علمای علم نحو را از کتب نقل کرده است.
- ۷- دو شرح دیگر متوسط و کوچک بر صمدیة.
- ۸- رساله‌ای در غلطهای فیروزآبادی در کتاب قاموس اللّغة.
- ۹- موضح الرّشاد فی شرح الإرشاد، در علم نحو.
- ۱۰- سلافة العصر فی محاسن أعیان العصر، که شامل شرح حال شعرای قرن یازدهم هجری قمری می باشد.
- ۱۱- ملحقات سلافة العصر.
- ۱۲- رسالة فی المسلسلة بالأباء، در آن شرح پنج حدیثی که آنها را مسلسلاً از پدران خود تا رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل کرده آورده است که از تألیف آن در سال ۱۱۰۹ ه.ق فارغ شده است.

- ۱۳ - الدّرجات الرّفیعة فی طبقات الشیعة، کتابی است مفید که دوازده طبقه از بزرگان از زمان رسول خدا ﷺ تا زمان خود را در آن بیان کرده و به شرح حالشان پرداخته ولی متأسفانه فقط قسمتی از کتاب به دست ما رسیده است که همان مقدار چاپ شده است.
- ۱۴ - التذکرة فی الفوائد النادرة، کتابی است مشابه کشکول.
- ۱۵ - المخلاة فی المحاضرات، این کتاب هم مشابه کشکول است.
- ۱۶ - الزهرة فی النحو.
- ۱۷ - طراز اللغة، بنا بر گفته صاحب روضات این کتاب، کتاب مفصّلی در بحث لغت است که مؤلف تا روز وفاتش به تألیف آن مشغول بوده و آن را تمام نکرده و حدود نصف آن نوشته شده است.^۱
- ۱۸ - دیوان شعر.

وفات و مدفن

سید در شیراز در ماه ذی القعدة سال ۱۱۲۰ هـ. ق دار فانی را وداع گفت و در حرم جناب شاه چراغ احمد بن امام موسی بن جعفر علیه السلام نزد جدش غیات الدین منصور و سید ماجد بحرانی دفن شد.

البته برخی وفات ایشان را در سال ۱۱۱۸ و یا سال ۱۱۱۹ هـ. ق نقل کرده‌اند که ظاهراً ۱۱۲۰ صحیح‌تر است. زیرا خود مؤلف گفته است که سال ۱۱۱۷ به اصفهان آمده است و شیخ علی حزین در تذکره می‌گوید: من ایشان را دو سال در اصفهان درک کردم.

کتاب حاضر و ترجمه آن

در خصوص کتاب حاضر و ترجمه آن ذکر سه نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱- ممکن است برخی در اعتبار و سندیت این کتاب اشکال کنند. زیرا ظاهر مطالب و دعاهای این کتاب با کتب دیگر تفاوت زیادی دارد و از جهاتی عجیب و منحصر به فرد است. در پاسخ باید گفت این کتاب به هیچ وجه قابل مقایسه با کتابهای غیر معتبری که مشابه این کتاب هستند نیست زیرا همان طور که ذکر شد مرحوم سید علی خان یکی از علمای بزرگ قرن یازدهم هجری قمری بوده‌اند و در بسیاری از کتب معتبر تذکره و شرح حال از ایشان تمجید شده و احوالات ایشان بیان شده که خود شاهد این مدعاست.

از طرف دیگر کتاب الکلم الطیب یکی از کتب مشهور ایشان است که برخی بزرگان مانند مرحوم محدث قمی^۱ و علامه مجلسی از این کتاب نقل کرده‌اند. و اگر ما دلیل دیگری در اعتبار این کتاب به جز نقل مرحوم محدث قمی و امثال ایشان از آن کتاب نداشته باشیم در اثبات اعتبار و جلالت قدر این کتاب کافی است. نکته دیگر اینکه ممکن است برخی بگویند برخی از مطالب این کتاب مأثور نیست و از ناحیه معصومین علیهم السلام نرسیده است.

۱- تا آنجا که مترجم می‌داند محدث قمی در سه موضع از این کتاب نقل کرده است: یکی در جایی که اسم اعظم را بیان می‌کند، و دیگری زمانی که زیارت مشهور «سلام الله الکامل...» را نقل می‌کند، و دیگری توسلی که از این کتاب نقل می‌کند. محدث قمی خود در مقدمه مفاتیح الجنان ذکر می‌کند که ایشان بنا دارد در این کتاب مطالب مستند و معتبر را بیان کند. لذا می‌توان نتیجه گرفت این کتاب در نظر ایشان معتبر بوده است.

در پاسخ باید گفت انشای دعا و امثال آن اگر شرایطش رعایت شود و از بزرگانی نظیر مرحوم سید صادر شود قابل پذیرش است علی الخصوص زمانی که خواننده دعا آن را به نیت مطالب وارد شده در دین و به عنوان مستحب شرعی نخواند بلکه به عنوان مطلق راز و نیاز و درخواست حاجت به لفظی خاص بخواند. البته این مطلب جدیدی نیست و افرادی نظیر سید ابن طاووس که در نهایت احتیاط و ورع و تبعیت از اقوال معصومین علیهم السلام به سر می برده اند انشای دعا می کرده اند کما اینکه جناب ابن طاووس در برخی موارد به انشایی بودن دعا تصریح می کند. و همین طور است مطالب و یا دعاهایی که در خواب و امثال آن تعلیم داده شده است.

از طرف دیگر برخی بزرگان تصریح کرده اند که کتاب الکلم الطیب در ادعیه و اذکار مأثور از معصومین علیهم السلام است؛ از آن جمله صاحب روضات الجنات و شیخ آقا بزرگ تهرانی می باشند. و بر اهل تحقیق پوشیده نیست زمانی که انتساب مطلبی به معصوم باشد هر چند یقین به قطع الصدور بودن آن مطلب از معصوم نداشته باشیم می توان به عنوان «من بلغ» به آن مطلب منقول عمل کرد و به ثواب وعده داده شده دست یافت.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من سمع شیئاً من الثواب علی شیء فصنعه کان له، وإن لم یکن علی ما بلغه.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که ثوابی بر انجام عملی بشنود و آن عمل را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود اگرچه مطلب آن چنان که به او رسیده است نباشد.^۱

برخی بزرگان براساس همین اخبار «من بلغ» در بیان مطالب ذکر سند نکرده‌اند، از آن جمله مرحوم ملامحسن فیض کاشانی رحمته الله می‌باشد که صراحتاً در ابتدای کتاب خود «خلاصة الأذکار و اطمئنان القلوب» ذکر می‌کند:

و از اسناد و حال روات این کتاب تفحص نکردم به خاطر تکیه بر حدیث حسن مشهور که در میان امامیه مقبول است: هر که ثوابی بر کاری بشنود و آن را انجام دهد اجر آن برای او خواهد بود، اگرچه حقیقت آن گونه که به او رسیده است نباشد. و در این باب اخبار دیگری نیز وجود دارد.^۱

لذا روشن می‌شود که به فرض عدم اعتبار و سندیت مطالب این کتاب باز هم وجهی معقول برای استفاده از این کتاب وجود دارد.

۲- ظاهراً کتاب «الکلم الطیب» ناقص مانده و به اتمام نرسیده است، گرچه خاتمه کتاب زیاد نشان‌دهنده این مطلب نیست. شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمته الله به این مطلب تصریح می‌کند.

۳- مبنای ترجمه کتاب نسخه چاپ سنگی کتاب است که در زمان زمامداری محمد علی شاه قاجار در سال ۱۳۲۶ ه. ق به چاپ رسیده، که کاتب آن زین العابدین محلاتی است و به همت شیخ رضا تاجر کتاب فروش تهرانی به چاپ رسیده است.^۲

همچنین متن ادعیه و برخی از مطالب غیر دعا با نسخه (شماره ۱۳۳۶۵) کتابخانه مجلس شورای اسلامی مقابله شده که مجموعه دو کتاب است:

۱- خلاصة الأذکار، چاپ شده ضمن رسائل فیض، ص ۵۵.

۲- الذریعة، ج ۱۸، ص ۱۲۷.

۱- الصحیفة العلویة و التحفة المرصویة، تألیف عبداللہ بن صالح سماهیجی ماحوزی (۱۱۳۵ هـ ق).

۲- الکلم الطیب (برگه ۱۵۸ تا ۱۸۳) که در فهرست درباره کتاب چنین آمده است:

دعاهایی است که مؤلف از اساتید خود آنها را یاد گرفته و خود در برآوردن حاجات آنها را تجربه نموده و در کتاب حاضر آنها را جمع آوری نموده است.^۱

از این پس نسخه چاپ سنگی با «الف» و نسخه مجلس با «ب» یاد می شود. همچنین در مواردی که عبارتی در نسخه ای بوده و در نسخه دیگر نبوده است، آن عبارت را - در صورت عدم اختلال در معنی - آورده ایم و در میان پرانتز قرار داده ایم.

در ترجمه خود را مقید به ترجمه واژه به واژه نکرده ایم و در برخی موارد مفهوم سلین فارسی جملات عربی بیان شده است. همچنین در مواردی که غلط فاحش و قطعی وجود داشته است آن را در متن اصلاح کرده از ذکر آن خودداری شده است.

و از آن جهت که کتاب بیشتر به نقل اخبار و ادعیه غیر مشهور و نادر پرداخته است و مؤلف مرجع را ذکر نکرده است، یافتن سند و مدرک تمامی مطالب آن کاری مشکل و یا غیر ممکن بود.^۲

۱- فهرست مجلس، ج ۳۵، ص ۳۲۶.

۲- این شرح حال مختصر از منابع ذیل گردآوری شده است:

۱- ووضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری.

۲- فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی.

۳- سفینه البحار، شیخ عباس قمی.

۴- مقدمه الدرجات الزفیعة، سید علی خان شیرازی.

ترجمہ کتاب
الحکم الطیب
مرحوم سید علم خان شیوازی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش و حمد زینبندۀ خداوندی است که کلمات پاکیزه به سوی او صعود می کند و عمل صالح را بالا می برد و از نزد او قطرات ابر بارانی نازل می شود، پس اوست که به خاطر رحمت بیکرانش رفع گرفتاری می کند.

و سلام و درود خداوند به شریف ترین دعوت کنندگان به سوی حق و کریم ترین شافعان درگاه الهی، سرورمان حضرت ختمی مرتبت، و سلام و درود خداوند بر فرزندان هدایتگرش که خلفای راستین الهی اند.

اما بعد پس چنین گوید محتاج به پروردگار بی نیازش علی صدرالدین بن احمد نظام الدین حسنی حسینی - که خداوند غاقتش را به نیکی و بهره وافر از خزانه فضلش ختم کند - که این مجموعه ای است جامع و زبوری است درخشنده که شامل ادعیه و اموری است که ضامن رستگاری و موفقیت دائمی است، که درهای یکتای فاخرش را از میان صحیفه های باارزش خارج کردم و

پیچیده‌های آن را سامان بخشیدم و جواهرات این گردنبند گرانبها را نظم بخشیدم. و آن را «الكلم الطیب و الغیث الصیب» نام نهادم. به خداوند ملک و حق آشکار امیدوارم که به وسیله آن به راغبین منفعت برساند همانا که خداوند خود ولی آن است.

[فضیلت دعا]

رسول خدا ﷺ فرمودند:

الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
دعا سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است.^۱

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ، وَخَيْرُ الدُّعَاءِ مَا
صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ وَقَلْبٍ تَقِيٍّ، وَفِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النِّجَاةِ
وَبِالْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ، فَإِنْ اشْتَدَّتِ الْفِرْعُ فَاِلَى
اللَّهِ الْمَفْرَعُ.

دعا کلیدهای موفقیت و گنجینه‌های رستگاری است و بهترین دعا دعایی است که از سینه‌ای پاک و قلبی پرهیزگار خارج شده باشد. و راه نجات در مناجات است و رهایی به وسیله اخلاص است. پس چون فزع و بی‌تابی شدید شود پناهگاه خداوند است.^۲

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۰۳، ح ۱.

۲- همان مدرک، ص ۲۱۳، ح ۲.

الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَنَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْدُّعَاءِ، وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يَكْتُمُ قَرْعَهُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ.

دعا کلید هر رحمت و برآورده شدن هر حاجتی است و به آنچه که نزد خداوند است جز با دعا دست نتوان یافت و هیچ دری نیست که زیاد کوبیده شود مگر اینکه امید رود بر روی کوبنده در باز شود.^۱

و همچنین از ایشان نقل است که فرمودند:

عَلَيْكَ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

بر تو باد دعا خواندن، زیرا که در آن شفای هر دردی است.^۲

مقدمه [در آداب دعا]

در روایت صحیحی از امام رضا علیه السلام نقل است که فرمودند:

دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً.

یک دعای پنهانی بنده معادل هفتاد دعای آشکار است.^۳

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْوَتْرِ، وَبَعْدَ الْفَجْرِ،

وَبَعْدَ الظُّهْرِ، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ.

دعا در چهار زمان مستجاب می شود: در نماز وتر، بعد از

طلوع فجر، بعد از ظهر و بعد از مغرب.^۴

در روایتی آمده است [دعا در این زمانها مستجاب می شود]:

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۶، ح ۷، با اندکی تفاوت در متن روایت.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۷.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۵.

۴- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۶، ح ۲.

عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَزَوَالِ الْآفِيَاءِ وَنُزُولِ الْقَطْرِ وَعِنْدَ
الْأَذَانِ.

در هنگام وزیدن بادهای، بر طرف شدن سایهها، نزول باران
و اذان^۱.

از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمودند:

عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ
تُفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَتُقَضَى فِيهَا
الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ.

بر شما باد دعا خواندن از سحر تا طلوع خورشید، زیرا این
زمان زمانی است که در آن درهای آسمان گشوده می شود
و روزیها در آن قسمت می شود و در آن حوائج بزرگ
برآورده می شود.^۲

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ حَاجَةً طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا
أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ وَشَمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ وَرَاحَ
إِلَى الْمَسْجِدِ وَدَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ.

پدرم هرگاه حاجتی داشت آن را در هنگام ظهر طلب
می کرد، و چون اراده آن را می کرد چیزی می آورد و صدقه
می داد و کمی عطر استعمال می کرد و به سوی مسجد
می رفت سپس برای حاجتش بدانچه خدا می خواست دعا
می کرد.^۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۱، در آنجا به جای هنگام اذان، هنگام ریخته شدن
ازلین قطره مؤمنی که در راه خداوند کشته شده باشد آمده است.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۸، ح ۹.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۷.

از امام صادق عليه السلام نقل است که فرمودند :

إِذَا أَقْشَرَ جِلْدُكَ وَدَمَعَتْ عَيْنَاكَ فَدُونَكَ دُونَكَ فَقَدْ
قُصِدَ قُصْدُكَ.

هرگاه بدنت لرزید و چشمانت گریان شد (در انتظار) گرفتن
(حاجتت) باش، که (برآمدن) حاجتت اراده شده است.^۱

از امام صادق عليه السلام نقل است که فرمودند :

إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً مَا يُوَفِّقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ ثُمَّ يُصَلِّي وَيَدْعُو
اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. قُلْتُ:
أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَآيُ سَاعَةٍ هِيَ مِنَ اللَّيْلِ؟ قَالَ: إِذَا مَا
مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ وَهِيَ السُّدُسُ الْأَوَّلُ مِنْ أَوَّلِ النِّصْفِ
الثَّانِي.

همانا ساعتی در شب است که آن را بنده مسلمانی که در
حال نماز گزاردن و خواندن خداوند عز و جل است درک
نکند مگر اینکه پروردگار او را اجابت کند و این ساعت در
هر شبی هست. راوی می گوید گفتم: خدایت خیر دهد، آن
ساعت چه ساعتی از شب است؟ فرمودند: زمانی که نیمه
شب گذشت، آن ساعت اولین قسمت از شش قسمت نیمه
دوم شب است.^۲

از امام صادق عليه السلام نقل است که فرمودند :

إِنْ خِفْتَ أَمْرًا يَكُونُ، أَوْ حَاجَةً تُرِيدُهَا فَابْتَأْ بِاللَّهِ فَمَجِدُّهُ
وَآتِنِ عَلَيْهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ وَاسْتَلِّ
حَاجَتَكَ وَتَبَالَكَ وَلَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ. إِنْ أَبَى كَانَ

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۸.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۸، با اندکی تفاوت در متن روایت.

يَقُولُ: إِنَّ أَقْرَبَ مَا كَانَ الْعَبْدُ إِلَى الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ وَ
هُوَ سَاجِدٌ بِاللَّيْلِ.

اگر از پیشامدی می ترسی یا حاجتی داری، به خداوند آغاز کن و او را تمجید کن و ثنایش بگو همان گونه که او شایسته آن است، سپس بر پیامبر و خانواده اش درود فرست و حاجتت را بخواه و گریه کن اگرچه به اندازه سر مگسی باشد. پدرم می فرمود: نزدیکترین حالتی که بنده نسبت به خداوند عزوجل دارد حالتی است که او در سجده می باشد و گریان است.^۱

از امام صادق عليه السلام نقل است که فرمود:

مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَا أَمَرَهُ ثُمَّ دَعَاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ
أَجَابَهُ. قُلْتُ: وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ؟ قَالَ: تَبْدَأُ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ
تَذْكُرُ نِعْمَتَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ تَشْكُرُ، ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ثُمَّ
تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتُقَرِّبُهَا ثُمَّ تَسْتَغْفِرُ مِنْهَا، فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ.

هر که خداوند را در آنچه او را امر کرده است اطاعت کند سپس او را از راه دعا بخواند خداوند او را اجابت کند. راوی می گوید: گفتم: راه دعا چیست؟ فرمودند: به حمد خداوند شروع می کنی و نعمتهایش را که نزد توست ذکر می کنی سپس او را شکر می گویی و درود بر پیامبر می فرستی و گناهانت را ذکر می کنی و به آنها اقرار می کنی سپس از آنها استغفار می کنی، پس این راه دعاست.^۲

از امام صادق عليه السلام نقل است که فرمودند:

زَمَانِي كَمَا خَدَا رَا خَوَانِدِي أُو رَا تَمَجِيدُ كُن. رَاوِي مِي كُوِيْد:

۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۵، ج ۱۰، با اندکی تفاوت در متن روایت.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۰، ج ۸، با اندکی تفاوت در متن روایت.

گفتم: چگونه او را تمجید کنم؟ فرمودند می‌گویی:
 يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَى مَنْ حَبَلَ الْوَرِيدِ، يَا فَاعِلًا لِمَا يُرِيدُ،
 يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى،
 يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ!^۱

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

مَا أْبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ إِلَّا اسْتَحْيَى اللَّهَ
 عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْرًا حَتَّى يَجْعَلَ فِيهَا مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ
 مَا يَشَاءُ. فَإِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَرُدُّ يَدَهُ حَتَّى يَمْسَحَ عَلَى
 وَجْهِهِ وَرَأْسِهِ.

هیچ بنده‌ای دست به سوی خداوند عزیز و جبار بلند نکند مگر
 اینکه خدای عزوجل شرم کند از اینکه آن دست را خالی
 برگرداند تا اینکه در آن از فضل رحمتش هر مقدار که بخواهد
 قرار دهد، پس زمانی که یکی از شما دعا کند باید دستش
 را پایین نیاورد مگر اینکه بر صورت و سرش بکشد.^۲

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْمَمْ
 فَإِنَّهُ أَوْجِبُ لِلدُّعَاءِ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگامی که یکی از شما دعا
 کند باید دعایش را عموم دهد (دعای او فقط برای خودش
 نباشد) زیرا که این روش برای دعا لازم‌تر است.^۳



۱- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۲، با اندکی تفاوت.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۸، ح ۲.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۴۲، ح ۱؛ در اصل «فَلْيَعْمَمْ» به جای «فَلْيَعْمَمْ» آمده است.

[۱] - [این اسامی] اسامی جلیلی است که هر که بر آنها مراقبت کند، هستی به دستش خواهد بود و آنها چنین است:

يَا حَلِيمُ يَا عَلِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغْنِنِي، يَا مُغِيثُ يَا مُغِيثُ
يَا مُغِيثُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ،
فَاَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.



[۲] - هر که می خواهد عجایبی برای او پدیدار شود و گردنکشان برایش خضوع کنند باید این دعا را بر پوست آهویی بنویسد و آن را به خود آویزان کند:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ فِي السَّمَوَاتِ دَوْرَاتٌ، وَلَا فِي الْأَرْضِ
عَبْرَاتٌ، وَلَا فِي الشَّجَرِ وَرَقَاتٌ، وَلَا فِي الْأَجْسَادِ أَحْرَاكٌ،
وَلَا فِي الْعُيُونِ لِحَظَاتٌ، وَلَا فِي النُّفُوسِ خَطَرَاتٌ، وَلَا فِي

۱- در «ب»: غَمْرَاتٌ.

۲- در «ب»: الأَجْسَامِ.

الْبِحَارِ قَطْرَاتٌ، وَلَا فِي الْجِبَالِ مَدْرَاتٌ، إِلَّا وَهِيَ بِكَ
عَارِفَاتٌ وَلكَ شَاهِدَاتٌ، وَعَلَيْكَ دَالَاتٌ وَفِي مُلْكِكَ
مُتَحَيِّرَاتٌ، فَبِالْقُدْرَةِ الَّتِي سَخَّرْتَ بِهَا أَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
سَخَّرْ لِي قُلُوبَ الْمَخْلُوقِينَ^۱، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

و باید این دعا را بعد از هر نمازی بخواند زیرا که مجرب است.



[۳] - به خط یکی از اصحاب ما که از سادات جلیل القدر و

صالح و ثقه است، چنین چیزی را یافتم:

از برادر ایمانی، سرور راستگوی، عالم عامل، جامع کمالات
انسانی و صفات قدسی، امیر اسماعیل بن حسین بیگ بن علی بن
سلیمان جابری^۲ انصاری - که خداوند بر هانش را منور کند - شنیدم
در ماه رجب سال ۱۰۹۳ ه. ق که می گفت: از شیخ صالح متقی ورع،
حاج علی مکی شنیدم که می گفت:

گرفتار تنگی و سختی مخالفت دشمنان حق شدم و از کشته شدن
و هلاکت خود ترسیدم، بعد از آن دعایی در جیبم یافتم که کسی آن
را به من نداده بود، از آن شگفت زده شدم و متحیر بودم. در خواب
هاتفی در لباس صلحا و زاهدین را دیدم که می گفت: دعای فلانی را
به تو دادیم، به آن دعا کن تا از تنگی و شدت نجات پیدا کنی.

۱- در «ب»: الْمَخْلُوقَاتِ.

۲- در بحار: «حائری».

متوجه نشدم که آن گوینده چه کسی بود و تعجبم بیشتر شد. بار دیگری در خواب حاجت منتظر صلوات الله علیه را دیدم، به من فرمودند: به دعایی که آن را به تو دادم دعا کن و آن را به هر که می خواهی بیاموز!

من آن دعا را مکرراً تجربه کرده ام و فرج زود هنگام برایم حاصل شده است. بعد از آن مدتی دعا گم شد و من به خاطر فقدانش ناراحت بودم و از این کار بدم استغفار می کردم تا اینکه شخصی سراغم آمد و به من گفت که این دعا در فلان مکان افتاده است. و من به یاد ندارم که به آن مکان رفته باشم. پس دعا را یافتم و خداوند را از روی سپاس سجده کردم. آن دعا چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. رَبِّ اسْأَلُكَ مَدَدَ أَرْوَاحِنَا تَقْوَى
بِهِ قَوَايِ الْكَلِيَّةِ وَالْجَزِيَّةِ، حَتَّى أَقْهَرَ بِمَبَادِي أَنْفُسِي كُلِّ
نَفْسٍ، قَاهِرَةً فَتَنْقِضَ لِي إِشَارَةَ دَقَائِقِهَا أَنْقِبَا ضَا سَقُطُ بِهِ
قَوَاهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو رُوحٍ إِلَّا وَنَارُ قَهْرِي
قَدْ أَحْرَقَتْ ظُهُورَهُ. يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدُ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ،
(يَا قَاهِرُ) يَا قَهَارُ، اسْأَلُكَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ
الْقَهْرِيَّةِ، فَانْفَعَلْتَ لَهُ النُّفُوسَ بِالْقَهْرِ، أَنْ تُودِعَنِي هَذَا
السِّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، حَتَّى أَلِيَنَّ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ وَأُذَلِّلَ بِهِ
كُلَّ مَنِيْعٍ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ.

۱- در بحار: «عبادی».

۲- در بحار: «دقائقها».

این دعا در سحر در صورت امکان سه مرتبه خوانده می شود و در صبح و شام سه مرتبه خوانده می شود. پس زمانی که کار بر کسی که آن را می خواند مشکل شود، باید بعد از خواندن این دعا سی مرتبه بگوید:

يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ اللَّطْفَ بِمَا
جَرَّتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ^۱



[۴] - این دعای عظیمی است که از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل شده برای کسی که چیزی از او ضایع شده یا اینکه حاجتی دارد، و قصه عجیبی دارد که مشابه حکایت دعای قبل است. پس باید دعاکننده در هنگام طلب حوائجش این دعا را زیاد بخواند و آن دعا چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
مُبْدِئُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ
الْأُمُورِ وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ^۲، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا
دُعِيتَ بِهِ أَجَبْتَ وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَيْتَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۶ به نقل از این کتاب.

۲- در «الف»: وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنْتَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ.

مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبَتْهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ، أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، السَّاعَةَ
السَّاعَةَ، يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ
سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسَكَ وَاسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ،
أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ
هَذِهِ الشَّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ،
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



[٥] - از چیزهایی که در این زمان مشهور شده است این است که
سلطان عجم شاه سلیمان بن عباس صفوی در سال ١٥٧٨ هجری امر
کرد که گردن یکی از امرایش به نام جمشیدخان زده شود.
در حضور مردم چندین بار شمشیر گردنش را نبرید، تا اینکه
خود جمشیدخان خبر داد در بازویش حرزی است، آن حرز را از
بازویش خارج کردند و گردنش زده شد و شمشیر در آن اثر کرد.
این مطلب را کسی به من خبر داد که خودش در هنگام گردن زدن او
حاضر بود.

حرز بر اساس آنچه که به وسیله یکی از نزدیکان سلطان به ما
رسیده است - و گفت که بر پوست آهو نوشته شده بود - چنین
است:

أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقَاهُ اللَّهُ
سَيِّئَاتِ مَآكِرُكَ وَأَوْحَاقِ بَالِ فِرْعَوْنَ سُوءِ الْعَذَابِ، اللَّهُمَّ

بِكَ اسْتَكْفِي شُرُورَهُمْ وَأَذْرَأُ فِي نُحُورِهِمْ، فَكْفِنِيهِمْ كَيْفَ
 شِئْتَ وَأَنْتَ شَيْئَتْ، بِحَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَيَا ذَا الْمَرِنِ الْقَدِيمِ وَذَاتِ
 الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالِدَعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، عَافِ فُلَانَ
 بَنَ فُلَانٍ مِنْ أَنْفُسِ الْجِنَّ وَاعْيُنِ الْإِنْسِ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ
 فَاطِمَةَ (وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ) صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ
 وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

یا سامعِ کُلِّ صَوْتٍ ویا جامعِ^۲ کُلِّ قَوْتٍ، یا مُجِی الْعِظَامِ وَهِيَ
 رَمِيمٌ (وَمُنْشِئُهَا) بَعْدَ الْمَوْتِ، بِخَلْدِكَ الْآبَدِيَّ وَدَوَامِكَ
 السَّرْمَدِيَّ وَحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي مَا أَنَا فِيهِ، بِإِلَهِ الْإِنْتِ، عَلَيْكَ
 تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، يَا شَدِيدَ الْقُوَى يَا شَدِيدَ
 الْمِحَالِ، يَا عَزِيزُ أَدَلَّتْ بِعِزَّتِكَ جَمِيعَ خَلْقِكَ^۳، صَلِّ عَلَيَّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْكِنِي مَوْوَنَةَ فُلَانٍ بِمَا شِئْتَ، اللَّهُمَّ
 احْفَظْ حَامِلَهُ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَطَوَّلْ عُمرَهُ بِمُحَمَّدٍ وَ
 عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

۱- به جای «فلان بن فلان» اسم خود و پدرش را قرار دهد.

۲- در «ب»: یا سابق.

۳- در «ب»: مَنْ خَلَقْتَ.

۴- به جای «فلان» اسم دشمن خود را بگوید.

[٦] - این دعا دعای مجزبی است که برای سعادت دنیا و آخرت و وسعت رزق و پرداخت قرض‌ها مفید است و در چهارده حدیث مذکور است و باید بعد از هر نمازی هفت بار خوانده شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.



[٧] - این دعا از امام صادق علیه السلام برای قضای حوائج نقل شده

است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا مَنْ إِذَا تَفَاقَمَتِ الْأُمُورُ طَرِحَتْ عَلَيْهِ، وَيَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْحَاجَاتُ فُزِعَ مِنْهَا إِلَيْهِ، وَيَا مَنْ نَوَاصِي الْعِبَادِ بِيَدِهِ وَقُلُوبُهُمْ بِيَدَيْهِ، وَيَا مَنْ حَوَائِجِ الْخَلَائِقِ صَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ إِلَيْهِ، وَيَا مَنْ إِذَا أُغْلِقَتِ الْأَبْوَابُ فَتَحَ بَابًا لَا يُهْتَدَى إِلَيْهِ.

إِلَهِي عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اسْتَدَّتْ إِلَيْكَ فَاقَتُهُ، وَعَظُمَتْ فِيهَا لَدَيْكَ رَغْبَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، سُؤَالَ مَنْ لَا يَجِدُ لِدَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ وَلَا لِهَمِّهِ مُفَرِّجًا وَلَا لِحَاجَتِهِ

قاضياً سِوَاكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا!



[۸] - این دعای معجزی برای دفع همه بیماریها و آفات است که

بر بازوی راست بسته می شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا هُوَ يَا مَنْ هُوَ، يَا مَنْ لَيْسَ هُوَ إِلَّا هُوَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِحَامِلِ كِتَابِي هَذَا مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَأَلَمٍ وَمَرَضٍ وَخَوْفٍ فَرَجاً وَمُخْرَجاً، مُحَمَّدٌ عَلَى فَاطِمَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَى مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ مُوسَى عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَى الْحَسَنِ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ.



[۹] - نقل شده است که سلیمان بن نسوان سبّی چهل حج

به جای آورد، در آخرین آنها نزد قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواب او را ربود و ایشان را در رؤیا دید که به او می گویند: چقدر به زیارت ما می آیی و چیزی درخواست نمی کنی؟! دستت را جلو بیاور، پس در دست او چیزی برای تب نوشتند که زمانی که تب دار آن را بلیسد، از تب خلاص می شود و آن نوشته این است:

اسْتَجَرْتُ بِإِمَامٍ مَا حَصَّكُمْ وَظَلَمْتُ^۲ وَلَا تَبِعَ مَنْ هَزَمَ. أَخْرَجِي يَا حُمَيَّ مِنْ هَذَا الْجَسَدِ لَا يُلْحَقُهُ أَلَمٌ مُخْرَجٌ نَجَاحٌ.



۱- به جای «کذا وکذا» حاجتش را بگویند.

۲- در «ب»: فَظَلَمْتُ.

این مطالب دعاهای شریف و توسلات بلند مرتبه‌ای است که آنها را از خطّ جدّ خود علامه، سید العلماء و سلطان الحکماء، سید نظام الدین احمد بن ابراهیم بن سلام الله بن عماد الدین مسعود بن صدر الدین محمد بن غیاث الدین منصور - که خشنودی الهی برای او و برای آنان باد - نقل می‌کنم، او هم از خطّ بعضی از معتمدین نقل می‌کند که عین عبارت آن چنین است:

[۱۰] - از نبی اکرم ﷺ نقل شده است که ایشان فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست که از سلب نعمتی یا از بلائی ناگهانی یا از تغییر عافیتی بترسد و این دعا را بخواند، مگر اینکه خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا کند:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا وَاحِدُ (يَا مَا جِدُّ) يَا مُجِيبُ دُعَاةِ الْبُرِّ، يَا كَرِيمُ يَا رَحِيمُ، يَا غَنِيُّ يَا مُغْنِي، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتُكَ وَهَسَّأَكَرَامَتُكَ وَالْبِسْنَا عَافِيَتَكَ.



[۱۱] - نقل شده است که مردی مدتی طولانی با کمال سختی حبس شده بود، در خواب دید که گویا حضرت زهرا عليها السلام سراغ او آمده‌اند و به او می‌گویند که به این الفاظ دعا کن!
آن مرد دعا را آموخت و دعا را خواند و از حبس آزاد گشت و به منزلش بازگشت.

آن دعا چنین است:

إِلَهِي ابْحَقِّ الْعَرْشِ وَمَنْ عِلَاهُ، وَبِحَقِّ الْوَحْيِ وَمَنْ أَوْحَاهُ،
 وَبِحَقِّ النَّبِيِّ وَمَنْ نَبَّأَهُ، وَبِحَقِّ الْبَيْتِ وَمَنْ بَنَاهُ، يَا سَامِعَ كُلِّ
 صَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلِّ قَوْتٍ وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ،
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَآتِنَا وَجْمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ
 وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، فَرَجًا مِنْ عِنْدِكَ
 عَاجِلًا، بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ
 رَسُولُكَ^۲ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ^۳.



[۱۲] - این دعایی است که باید در سختی ها و تنگی ها بر آن
 مواظبت کرد و از خطای یکی از بزرگان نقل شده است:

أَشْهَدُ أَنْ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِكَ، إِلَى مُنْتَهَى قَرَارِ
 الْأَرْضِينَ بَاطِلٌ، غَيْرَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ. قَدَّرْتَنِي مَا أَنَا فِيهِ،
 فَفَرِّجْ عَنِّي يَا كَرِيمٌ.



[۱۳] - این دعا برای کسی است که از شخصی بترسد:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ (اللَّهُ أَكْبَرُ)، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ،
 اللَّهُ أَعَزُّ وَأَجَلُّ (مِمَّا أَخَافُ وَأَخْذَرُ) مِنْ خَلْقِهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ

۱- در «ب»: اللَّهُمَّ.

۲- در «ب»: عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

۳- مهج الدعوات، ص ۱۴۲ با اندکی تفاوت.

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأً وَبَرًّا، وَمِنْ شَرِّ فُلَانٍ^۲ خَاصَّةً وَأَشْيَاعِهِ (وَأَتْبَاعِهِ) وَحَاشِيَتِهِ.

[۱۴]- این دعا برای دفع دشمن و مانع شدن از تسلط اوست:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُجِيبُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْمُضْطَرُّ، فَاكْشِفْ عَنِّي مَا أَنَا فِيهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ.



[۱۵]- در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است که ایشان

فرمودند: هر که این دعا را صد مرتبه بخواند، خداوند فرج و

مخرجی برای او قرار می دهد اگرچه آسمان بر زمین سقوط کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهَا عَافِيَةً، وَعَافِيَةً فِيهَا خَيْرَةٌ.



[۱۶]- این دعایی مأثور است از بونیات^۳، برای از بین بردن

دشمنان و ریشه کن کردن آنان که چنین است:

لَوْلَوْأَ عَمَّانَوُوا، فَعَمُّوْا وَصَمُّوْا عَمَّاطَوْوَا. رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا

وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ

الْفِيلِ، أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ، وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمُ

۱- در «ب»: مُمْسِكُ.

۲- به جای «فلان» نام دشمنش را بگوید.

۳- شاید اشاره داشته باشد به ابوالعباس احمد بن علی بونی صاحب کتاب شمس المعارف

الکبری.

۴- در «ب»: لَوُوا (یا لَوُوا).

طَيَّرًا أَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ، فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ
 مَأْكُولٍ. اللَّهُمَّ اكْفِنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ يَا قَدِيرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ
 (بِكَ) فِي نُحُورِهِمْ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ، بِكَ أَصَاوِلُ
 وَبِكَ أَصَاوِلُ وَبِكَ أَقَاتِلُ. اللَّهُمَّ وَاقِيَهُ كَوَاقِيَةَ الْوَلِيدِ،
 بِكَهَيْعَصَ كَفَيْتُ بِحَمِّ عَسَقِ حُمَيْثُ. فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى (سَيِّدِنَا) مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

دعای فوق باید هفت مرتبه بعد از نماز عصر خوانده شود،
 شایسته است در هنگام خواندن «کهیعص» انگشتانش را جمع کند
 و از انگشت کوچک دست راست شروع کند و به انگشت شهادت
 دست راست ختم کند و همین کار را هنگام خواندن «حمعسق»
 انجام دهد، یعنی از انگشت کوچک دست چپ شروع کند و به
 انگشت شهادت آن ختم کند، زمانی که انگشتان هر دو دست جمع
 شد باید شروع به خواندن فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَى (سَيِّدِنَا) مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (وَ صَحْبِهِ) أَجْمَعِينَ بکند و آن را
 ۱۰ مرتبه بگوید. ۱



[۱۷] - این دعایی است برای حوایج بزرگ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِي حِضْنًا وَمَعْقِلًا، يَا حِضْنَ

۱. در «ب» ذکر نکرده است که ۱۰ مرتبه خوانده شود؛ این دعا در کتاب «شمس

السمارف» یافته نشد.

الْمُؤْمِنِينَ وَيَا كَهْفَ الْمُسْتَجِيرِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَكُنْ لِي عَضُدًا وَنَاصِرًا، يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَكُنْ لِي مُغِيثًا وَمُجِيرًا، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَكُنْ لِي وَلِيًّا وَبِي حَفِيًّا، يَا مُنْقِسَ هُمُومِ الْمُهْمُومِينَ
 صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَنَفْسِ هَمِّي وَغَمِّي، يَا مُقِيلَ عَثْرَاتِ
 الْعَائِرِينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ
 الْمُضْطَرِّينَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِبْنِي لِاضْطِرَارِي وَشِدَّةِ
 حَاجَتِي، يَا ذَا الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، يَا ذَا الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ
 الْعِزِّ وَالْمَجْبَرُوتِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ
 شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ وَشَدِيدٍ.
 اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ أَرَادَنِي أَوْ أَرَادَ أَحَدًا مِمَّنْ
 اتَّخَرَنِي لَهُ، فَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ إِرَادَتِهِ، وَكِلَهُ إِلَى نَفْسِهِ،
 وَسَلِّطْ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ وَلَا يَرَأْفُ بِهِ، وَاسْتَأْصِلْ
 شَافَتَهُ، وَاقْطَعْ أَجْلَهُ وَمُدَّتَهُ، وَامْحُ أَثْرَهُ وَأَسْقِمْ بَدَنَهُ،
 وَلَا تُنْجِحْ حَاجَتَهُ، وَامْنَعُهُ مِنِّي بِمِ شَيْئٍ وَكَيْفَ شِئْتِ وَأَنْتِ
 شِئْتِ، بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ، وَعَظَمَةِ سُلْطَانِكَ الَّذِي
 لَيْسَ فَوْقَهُ سُلْطَانٌ، إِنَّكَ وَليُّ ذَلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ.
 وَالْبِسْنِي عَافِيَتِكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ
 حَتَّى اسْتَوْجِبَ بِهِ جَمِيعَ الثَّوَابِ وَأَفْضَلَ الْمَأْبِ.

[۱۸] - دعایی در توبه از گناهان:

إِلٰهِي أَشْكُو إِلَيْكَ قَسْوَةَ قَلْبِي وَغَلْبَةَ شَهْوَاتِي وَمَا أَحَاطَ بِِي
مِنْ خَطِيئَتِي وَأَنْغَمَسْتُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِي، فَقِنِي يَا إِلٰهِي عَوَاقِبَهُ
وَاصْرِفْ عَنِّي مَهَاوِي عِقَابِهِ، وَمَنْ عَلَىٰ بِالتَّوْبَةِ إِلَيْكَ مِنْهُ وَ
الْقَبُولِ لِصَالِحِ قَوْلِي، وَلَا تُعَاقِبْنِي عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْهُ فِي حَيَاتِي وَ
بَعْدَ مَمَاتِي.



[۱۹] - دعایی مجرب از امام صادق علیه السلام برای رفع سختی ها و

بلايا:

حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ. لِمَا أَهَمَّنِي حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَنْ بَغَىٰ عَلَيَّ، حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَنْ
أَرَادَنِي بِسُوءٍ.

البته هر کدام از دو سطر بالا باید ۱۷ مرتبه خوانده شود.^۱



[۲۰] - این دعای فرج است برای قضای دین که از امام کاظم علیه السلام

نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ، وَيَا مُجِيبَ (دَعْوَةِ)
الْمُضْطَرِّ ۲، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهَا أَنْتَ تَرَحَّمُنَا

۱- در «الف» ۱۰ مرتبه بیان شده است.

۲- در «ب»: الْمُضْطَرِّينَ.

فَارْحَمْنَا بِرَحْمَةٍ تَغْنِينَا بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ (وَاحْفَظْنِي
بِمَا حَفِظْتَ بِهِ الذِّكْرَ، وَأَنْصُرْنِي بِمَا نَصَرْتَ بِهِ الرُّسُلَ، إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ
فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا.



[۲۱]- در بعضی کتب از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که هر که

دچار ظلمی شد یا حاجت مهمی داشت، باید در خلوتی سجده کند
و در سجده اش بگوید:

إِلٰهِي أَنْتَ الَّذِي قُلْتَ قُلِّ اذْعُوا الدِّينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ
فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا، فَيَا مَنْ يَمْلِكُ
كَشْفَ الضَّرِّ عَنَّا وَتَحْوِيلَهُ اِكْشِفْ مَا بِي.

زمانی که این دعا را بخواند گرفتاری اش حل می شود و حاجتش
کفایت می شود. این دعا تجربه و از آن نتیجه گرفته شده است.



[۲۲]- مجرب است که برای برآوردن حاجات و رفع بلا یا باید

سوره اخلاص هفتاد و یک مرتبه خوانده شود و در بین آن صحبت
نشود.



[۲۳]- برای فرج و گشایش این دعا خوانده می شود:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُفْرَجٌ كُلِّ كَرْبٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِزٌّ كُلِّ ذَلِيلٍ،
 لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غِنَى كُلِّ فَقِيرٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قُوَّةٌ كُلِّ ضَعِيفٍ،
 لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَفْرَعٌ كُلِّ لَهِيْفٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَاشِفٌ كُلِّ
 كَرْبَةٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَافِعٌ كُلِّ
 حَسَنَةٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَافِعٌ كُلِّ سَيِّئَةٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَالِمٌ كُلِّ
 خَفِيَّةٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ أَكُلِّ نِعْمَةٍ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ
 شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَهُ، لا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ مُشْفِقٌ مِنْهُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ رَاغِبٌ
 إِلَيْهِ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ رَاهِبٌ مِنْهُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ
 شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ مَصِيرُهُ إِلَيْهِ، لا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ مُطِيعٌ لَهُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ ذَلِيلٌ لَهُ،
 لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ فَقِيرٌ إِلَيْهِ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ
 مُنِيبٌ إِلَيْهِ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ فِي قَبْضَتِهِ، وَالنَّوَاصِي كُلُّهَا بِيَدِهِ،
 وَالْمَلَائِكَةُ مُشْفِقُونَ مِنْ خَشْيَتِهِ، لَهُ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا
 (كَثِيرًا) طَيِّبًا دَائِمًا بُكْرَةً وَأَصِيلًا. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَسَلَّم تَسْلِيمًا (كَثِيرًا).



[۲۴] - نماز مضطری که هیچ چاره‌ای ندارد؛

چهار رکعت است بدین صورت که در رکعت اول بعد از حمد
۲۵ مرتبه می‌گوید:

«أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ».

در رکعت دوم بعد از حمد ۲۵ مرتبه می‌گوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

فَاسْتَجِبْ نَالَهُ وَنَجِّنَا مِنْ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ تُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ».

در رکعت سوم بعد از حمد ۲۵ مرتبه می‌گوید:

«حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

در رکعت چهارم بعد از حمد ۲۵ مرتبه می‌گوید:

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

وبعد از سلام ۲۵ مرتبه بر نبی اکرم ﷺ و آتش صلوات می‌فرستد.^۱



[۲۵] - این نماز برای برآوری حوائج مجرب است؛

چهار رکعت است که باید در وقت سعد خوانده شود و جمع
بودن خاطر و پیوند قلب با خداوند را رعایت کند و نماز را باید بعد
از غسل و شستن لباس خواند.

در رکعت اول باید صد مرتبه بگوید:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ».

۱- دو نماز دو رکعتی خوانده شود.

در رکعت دوم صد مرتبه بگوید:

«الْم، اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»

در رکعت سوم صد مرتبه بگوید:

«وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ»

در رکعت چهارم صد مرتبه بگوید:

«يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ»

بعد از سلام سجده می رود و در سجده ۱۰۰۱ بار می گوید:

«سَجَدْتُ لِلَّهِ الْكَافِي»

سپس حاجتش را طلب می کند که به اذن خدای تعالی برآورده می شود.^۱



[۲۶] - این حلقه و دعایی که بعد از آن است بعد از نماز، در روزهای نحس، در وقت اضطرار و در هر توجه و حاجتی خوانده می شود که چنین است:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَقْرَبُ بِهَا كُلُّ كَرْبَةٍ، لَا حَوْلَ وَلَا
 لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَجَلُ بِهَا كُلُّ عُقْدَةٍ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 أَجْلُو بِهَا كُلُّ ظُلْمَةٍ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَفْتَحُ بِهَا كُلَّ
 بَابٍ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَعِيْثُ بِهَا مِنْ كُلِّ شِدَّةٍ (وَأَمْرٍ
 مُصِيبَةٍ)، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى كُلِّ أَمْرٍ

۱- دو نماز دو رکعتی خوانده شود.

يُنزِلُ لِي مِنْ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، لِحَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
 اعْتَصِمُ بِهَا مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ أَحَادِرُ (أ) فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،
 لِحَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتَوْجِبْ بِهَا الْعَفْوَ وَالْعَاقِبَةَ وَ
 الرِّضَامِينَ اللَّهُ تَعَالَى، لِحَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَفَرَّقْ
 أَعْدَاءُ اللَّهِ وَغَلَبَتْ حُجَّةُ اللَّهِ وَبَقِيَ وَجْهُ اللَّهِ، لِحَوْلٍ وَ
 لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَزْوَاجِ الْفَانِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، وَرَبَّ
 الشُّعُورِ^۲ الْمَتَمَعِطَةِ، وَرَبَّ الْأَجْسَامِ الْمُمَرَّقَةِ وَرَبَّ الْعِظَامِ
 النَّخِرَةِ وَرَبَّ السَّاعَةِ الْقَائِمَةِ، أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ
 وَآلِ^۳ (مُحَمَّدٍ) أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي
 مِنْ كُلِّ هِمٍّ فَرَجًا قَرِيبًا وَمِنْ كُلِّ غَمٍّ مَخْرَجًا لَطِيفًا. فَصَلِّ
 اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي
 ذَلِكَ بِخَفِيِّ لُطْفِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، آمِينَ آمِينَ آمِينَ،
 بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ (الطَّاهِرِينَ)، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ.



[۲۷] - دعای عجیبی که هنگام نزول بلا خوانده می شود:

۱- در «ب»: الآخرة.

۲- در «ب»: الثغور.

۳- در «ب»: آله.

اللَّهُمَّ سَكِّنْ هَيْبَةَ صَدَمَةِ قَهْرَمَاتِ الْجَبْرُوتِ، بِاللَّطِيفَةِ
(التَّامَّةِ) النَّازِلَةِ الْوَارِدَةِ مِنْ فَيْضَانِ الْمَلَكُوتِ، حَتَّى
نَتَشَبَّثَ بِأَذْيَالِ لُطْفِكَ وَنَعْتَصِمَ بِكَ مِنْ انْزَالِ قَهْرِكَ، يَا
ذَا الْقُوَّةِ الْكَامِلَةِ وَالْقُدْرَةِ الشَّامِلَةِ.



[۲۸] - دعایی برای حاجت:

إِلٰهِي حُجَّتِي حَاجَتِي وَوَسِيلَتِي فَاقْتِي، أَدْعُوكَ اضْطِرَّارًا،
وَأَنْتَ تُجِيبُنِي اخْتِيَارًا، إِلٰهِي لِسُوءِ مَا عِنْدِي أَحْشَاكَ، وَ
لِفَضْلِ مَا عِنْدَكَ أَرْجُوكَ^۱، فَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَ مَا عِنْدَكَ
لِسُوءِ مَا عِنْدِي، يَا مَوْلَايَ يَا إِلٰهِي افْعَلْ بِنَا مَا يَفْعَلُ الْكَرِيمُ
بِأَمْلِيهِ فَإِنَّ الْكَرِيمَ إِذَا قَدَّرَ عَفَى.



[۲۹] - دعایی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آن را برای

الیسع بن حمزه در حال حبس فرستاد و او دعا را خواند و آزاد گشت
و مورد احترام و تکریم قرار گرفت:

يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ فَوْتٍ، يَا مُجِيبَ النُّفُوسِ بَعْدَ
الْمَوْتِ، مَا لِي إِلٰهٌ غَيْرُكَ فَأَدْعُوكَ، وَلَا شَرِيكَ لَكَ فَأَرْجُوكَ.
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَلِّصْنِي يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ

۱- در «ب»: بِسُوءِ.

۲- در بعضی نسخ «أَدْعُوكَ» آمده است.

مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ (بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ وَ) بِجَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ
 (وَعِزَّتِكَ) وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا تُخْلِصُ الْوَلَدَ مِنَ
 الْمَشِيمَةِ وَاللَّحْمِ، بِرَحْمَتِكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي
 يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَمِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ
 وَعِزَّتِكَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخْلِصُ اللَّبَنَ مِنَ بَيْنِ فَرْثٍ
 وَدَمٍ بِطَوْلِكَ وَمَنِّكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي يَا رَبِّ مِمَّا
 أَنَا فِيهِ وَمِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، بِمَشِيَّتِكَ وَإِرَادَتِكَ، بِحَقِّ
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا تُخْلِصُ الثَّمْرَةَ مِنَ بَيْنِ مَاءٍ وَرَمَلٍ بِقُدْرَتِكَ
 وَجَلَالِكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ
 وَمِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ بِجَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا
 تُخْلِصُ الْبَيْضَةَ مِنْ جَوْفِ الطَّائِرِ بِعَفْوِكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ^١ وَخَلِّصْنِي يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَمِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ
 بِقُدْرَتِكَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا تُخْلِصُ الطَّائِرَ مِنْ جَوْفِ
 الْبَيْضَةِ بِعِزَّتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ.



[٣٥] - دعایی منقول از امام صادق علیه السلام برای ایمنی از شرّ

١- در «ب»: آلِ مُحَمَّدٍ.

٢- در «ب»: آله.

دشمنان: ۱

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ،
حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي،
حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي^۲، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ.

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاكْفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي
لَا يُرَامُ، وَاحْفَظْنِي بِعِزَّتِكَ وَاكْفِنِي مِنْ شَرِّ فُلَانٍ^۳، وَمَنْ عَلَيَّ
بِنَصْرِكَ وَالْأَهْلَكَ وَأَنْتَ رَبِّي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَجَلٌ وَأَكْبَرُ
مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَأَعُوذُ بِكَ
مِنْ شَرِّهِ وَأَسْتَعِينُكَ عَلَيْهِ وَأَسْتَكْفِيكَ آيَاهُ، يَا كَافِيَ مُوسَى
فِرْعَوْنَ وَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَحْزَابِ، الَّذِينَ قَالَ
لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ، فَزَادَهُمْ
إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مَنْ
اللَّهُ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَتْهُمْ سُوءٌ، وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ
ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ، أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبِعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ

۱- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۷۹ دعایی با کمی اختلاف در الفاظ.

۲- در «ب» بیان شده ۳ مرتبه ولی معلوم نیست باید عبارات قبلی را ۳ مرتبه بخواند یا بعدی را! شاید هم اشاره داشته باشد که باید «حسبی الله و نعم الوکیل» ۳ مرتبه خوانده شود.

۳- به جای «فلان» نام دشمنش را بگوید.

وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ، لَأَجْرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ
هُمُ الْآخَسْرُونَ، وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.



[۳۱] - این دعایی است که آدم علیه السلام آن را بعد از خطایی که کرد

خواند،^۱ پس خداوند توبه او را قبول کرد و به او وحی فرستاد:

إِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَكَ ذُنُوبَكَ، وَلَنْ يَأْتِيَنِي أَحَدٌ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ
فَيَدْعُونِي بِمِثْلِ مَا دَعَوْتَنِي، إِلَّا غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَكَشَفْتُ
هُمُومَهُ وَنَزَعْتُ الْفَقْرَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ، وَجَاءَتْهُ الدُّنْيَا
هُوَ لَا يُرِيدُهَا.

به درستی که من خطایب را بخشودم. و هیچ یک از فرزندان
تو سراغ من نیاید و مرا نخواند به همان شکل که تو مرا
خواندی، مگر اینکه گناهانش را بیاورم و ناراحتی هایش را
مرتفع کنم و فقر را از پیش چشمانش کنار بزنم، و دنیا
سراغش آید در حالی که او دنیا را نمی خواهد.

و آن دعا چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي
فَاقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَتَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَعْطِنِي سُؤْلِي، وَتَعْلَمُ مَا
فِي نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي.

۱ - بر اساس اعتقاد شیعه این خطا «ترک اولی» بوده است به این معنی که حضرت
آدم علیه السلام در مقام انتخاب یک کار صحیح و یک کار صحیح تر به جای آنکه صحیح تر را انتخاب
کنند کار صحیح را انجام داده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى
أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَرَضِيْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي
بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ.



[۳۲] - نقل شده است که یکی از صلحا این صلوات را به امیر
طولون مصری یاد داد که او آن را ۱۰ بار هنگام صبح و ۱۰ بار هنگام
شام به وقت خواب بخواند، امیر برای دنیا و طلب جاه و مقام بر آن
مواظبت کرد.

روزی از مصر به سمت اسکندریه راه افتاد. در یکی از بیابانها
به سمت گنج بزرگی هدایت شد تا اینکه آن گنج را یافت و به
خانه اش برد و کسی بر آن مطلع نشد، بعد از آن سلطان امیر طولون
را به خودش نزدیک کرد و او را امیر مصر قرار داد و به شدت
دوستش می داشت در حالی که او پیش از آن کمتر مورد توجه بود،
سپس خداوند به او توفیق داد که روی به آخرت آورد و مسجدی در
مصر به بزرگی مسجد الحرام و بازار طولون را بنا کرد.

این صلوات تحصیل جاه و مهمات دنیوی را کفایت می کند که
چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَحَبِيبِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا مُحَمَّدٍ حَائِ
الرَّحْمَةِ وَمِيعِي الْمَلِكِ وَدَالِ الدَّوَامِ، السَّيِّدِ الْكَامِلِ

۱- در «ب»: اَرْضِينِي.

۲- در «الف»: مِيم.

الْفَاتِحِ الْخَاتِمِ، كُلَّمَا ذَكَرَكَ وَذَكَرَهُ الذَّاكِرُونَ وَكُلَّمَا سَهَى
وَعَفَلَ عَنِ ذِكْرِكَ وَذَكَرِهِ الْغَافِلُونَ، صَلَوَةٌ دَائِمَةٌ بِدَاوَمِكَ،
بَاقِيَةٌ بِبَقَائِكَ، لَا مُنْتَهَى لَهَا دُونَ ذَلِكَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ
كَذَلِكَ، وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ كَذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
عَلَى ذَلِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.



[۳۳] - دعایی برای دفع شر دشمنان که باید سه مرتبه خوانده

شود:

يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مُكُونًا
كُلِّ شَيْءٍ، أَلْبَسَنِي دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ الْخَلْقِ
بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



[۳۴] - دعای بلندمرتبه‌ای برای گشودن درهای خیر:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا فَاتِحَ الْهُمُومِ وَيَا كَاشِفَ
الْغُمُومِ وَيَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا،
يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا فَرْدُ يَا وَتَرٌ^۲، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،
يَا اللَّهُ يَا رَبُّ يَا مَلِكُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
أَحَدٌ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَيَا مَالِكَ الرِّقَابِ وَيَا مُنْشِيَّ

۱- رجال کشی، ص ۳۴۱، دعایی مشابه با اندکی تفاوت در الفاظ.

۲- در «ب»: یا و تَر یا فَرْدُ.

السَّحَابِ وَيَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ وَيَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ، افْتَحْ لِي
 أَبْوَابَ كَرَامَتِكَ وَأَبْوَابَ نِعْمَتِكَ (وَأَبْوَابَ رَحْمَتِكَ)
 وَأَبْوَابَ رِزْقِكَ وَأَبْوَابَ خَيْرِكَ وَأَبْوَابَ جُودِكَ وَأَبْوَابَ
 شُكْرِكَ وَأَبْوَابَ مَنِّكَ وَأَبْوَابَ طَاعَتِكَ وَأَبْوَابَ عِنَايَتِكَ
 (وَأَبْوَابَ عَافِيَتِكَ) وَأَبْوَابَ إِحْسَانِكَ وَأَبْوَابَ مَغْفِرَتِكَ،
 يَا رَوْفُ يَا رَحِيمُ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا لَطِيفَ الْعِبَادِ، اسْمَعْ
 كَلَامِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



[۳۵] - این دعا مجرب است و از حاضر غلام یحیی نقل شده که
 آن را به هنگامی که او را نزد هارون الرشید حاضر کردند و امر به
 قتلش کرد خواند.

سفره چرمی انداخته و شمشیر از نیامش خارج شده بود و برای
 قتل چشمان او را پوشانده بودند، هارون الرشید مشاهده کرد که او
 لبانش را تکان می دهد، به او گفت: چه می خوانی مادر مرده؟! او
 گفت: دعایی را می خوانم که مولایم موسی بن جعفر علیه السلام به من
 آموخته است.

هارون الرشید گفت: آن را بلند بخوان! زمانی که آن را بلند
 خواند چشمان هارون پر از اشک شد و گفت:
 مرا به سحر آل ابی تراب^۱ مسحور کردی، به او زاد و مرکبی دهید
 و او را به خانواده اش برسانید.

۱ - منظور از آن، خاندان امیرالمؤمنین علیه السلام است که مخالفان با این تعبیر یاد می کردند.

آن دعا چنین است :

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرُدُّ قِضَاؤُهُ عَنْ كُلِّ ذِي سُلْطَانٍ مَنِيْعٍ، وَلَا يُرْفَعُ
بَلَاؤُهُ عَنْ كُلِّ ذِي مَجْدٍ رَفِيْعٍ، وَيَا كَاشِفَ الْهَمِّ عَنِ الْمَأْسُورِ
الضَّعِيْفِ عِنْدَ مُعْضَلِ الْخَطِيْبِ^۱، وَدَافِعَ الْغَمِّ عَنِ الْمُضْطَهْدِ
اللَّهِيفِ عِنْدَ مَفْرَعِ الْكَزْبِ^۲.

أَسْأَلُكَ بِأَجْلِ الْوَسَائِلِ^۳ إِلَيْكَ وَأَقْرَبِ الْوَسَائِلِ لَدَيْكَ،
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَأَهْلِي أَطَهِّ، وَيَسَّ أَهْلِي بَيْتِهِ
الطَّاهِرِينَ، أَنْ تَجْعَلَ لِي (مِنْ أَمْرِي) فَرْجًا وَتُسِّرَ لِي مِنْ مِحْنَتِي
مَخْرَجًا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.



[۳۶] - این دعا برای قرض و ادای دین است که آن را از مشایخ

قدس الله اسرارهم و ارواحهم نقل می کنیم :

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، بَدِيعُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ جَمِيعِ جُرْمِي وَظُلْمِي وَ
مَا جَنَيْتُهُ عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، يَا اللَّهُ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ،
يَا وَاحِدُ يَا جَوَادُ يَا مُوجِدُ، يَا بَاسِطُ يَا كَرِيمُ يَا وَهَّابُ،

۱- در «ب» : عِنْدَ مُعْضَلِ الْخَطِيْبِ.

۲- در «ب» : مَفْرَعِ.

۳- در «ب» : الْوَسَائِلِ.

۴- در «ب» : آلِ.

يا ذَا الطَّوْلِ يا غَنِيُّ يا مُغْنِي، يا فَتَّاحُ يا رِزَّاقُ يا حَيُّ يا قَيُّوْمُ،
 يا رَحْمَنُ يا رَحِيْمُ، يا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يا ذَا الْجَلالِ
 وَالْإِكْرَامِ يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، انْفُحْنِي (مِنْكَ) بِنَفْحَةِ خَيْرِ
 تُغْنِيَنِي بِهَا عَمَّنْ سِوَاكَ، اِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ، اِنَّا
 فَتَحْنَاكَ فَتْحاً مُبِيناً، نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ، يا غَنِيُّ
 يا مُغْنِي، يا وَدُودُ يا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ، يا فَعَّالاً لِمَا يُرِيدُ،
 أَغْنِيَنِي بِجَلالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، اِنَّكَ
 عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ.



[۳۷] - اسم اعظم خداوند ابتدایش «الله» است و پیاپی «هو» می باشد و حروفش نقطه ندارند و قرائتش «أعرب أم لم يعرب»^۱ تغییر نمی کند که در قرآن مجید در پنج آیه از پنج سوره که سوره های بقره، آل عمران، نساء، طه و تغابن می باشند آمده است. شیخ مغربی گفته است: هر که این پنج آیه ورد او قرار گیرد، به صورتی که آنها را در هر روز یازده مرتبه بخواند، هر امر مهم - کلی باشد یا جزئی - ان شاء الله تعالی به زودی برای او آسان می شود.

آیه اول:^۲

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَهُ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا

۱- در «ب» اِغْنِيَنِي.

۲- مقصود مؤلف از این عبارت معلوم نیست.

۳- بقره: ۲۵۵.

بِأَذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ
مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ.

آیه دوم: ^۱

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ
هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ.

آیه سوم: ^۲

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا.

آیه چهارم: ^۳

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.

آیه پنجم: ^۴

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.



[۳۸] - دعای فرج که سه مرتبه ^۵ خوانده می شود:

۱- آل عمران: ۴-۲.

۲- نساء: ۸۷.

۳- طه: ۸.

۴- تغابن: ۱۳.

۵- در «الف» ۳ مرتبه نیامده است.

اللَّهُمَّ يَا دَاوُدُ يَا دَاوُدُ يَا دَاوُدُ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ
 يَا فَعَالاً لِمَا يُرِيدُ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ
 عَرْشِكَ، وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَّرْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَ
 بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مُبْدِي
 يَا مُعِيدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا إِلَهَ الْبَشَرِ يَا عَظِيمَ الْخَطَرِ، مِنْكَ
 الْطَّلَبُ وَالنِّكَالُ الْهَرَبُ وَقَعَ بِالْفَرَجِ، يَا مُغِيثُ اغْنِنِي، يَا مُغِيثُ
 اغْنِنِي، يَا مُغِيثُ اغْنِنِي.

آنچه که از خط جدم قدس الله سره - که یاد شد - نقل کردم تمام شد و
 وفات او رحمه الله تعالى در سال ۱۰۱۵ هـ. ق واقع شد.



[۳۹] - این دعای اسم خداوند تعالی - یعنی «لطیف» - می باشد
 که باید پس از «بسم الله الرحمن الرحيم» ۱۲۹ مرتبه ذکر «یا
 لَطِيفُ» گفته شود، سپس این دعا خوانده شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِلَهِي أَنْتَ اللَّطِيفُ الْخَيْرُ لَطَفْتَ
 فَيَسَّرْتَ كُلَّ عُسْرٍ، وَأَنْعَمْتَ فَجَبَّرْتَ كُلَّ كَسْرٍ، تَلَطَّفْتَ بِي
 سَيِّدِي بِتَوْفِيقِي ابْتِدَاءً، فَتَمَّمْتَ لُطْفَكَ فِي أُمُورِي بِقَبُولِكَ
 انْتِهَاءً، فَمِنْ لُطْفِكَ تَكْلِيفِي دُونَ الطَّاقَةِ وَإِنْعَامِكَ فَوْقَ
 الْكِفَايَةِ، يَا عَالِماً بِالْغَوَامِضِ مِنْ غَيْرِ مُرْشِدٍ وَلَا دَلِيلٍ،
 لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَ لُطْفِكَ حَائِلًا.

إِلَهِي رَأَيْتَ فَسَتَرْتَ وَأَعْطَيْتَ فَبَرَزْتَ وَأَنْعَمْتَ فَأَجَزَلْتَ
وَعَلِمْتَ فَأَجَمَلْتَ، فَأَنْتَ لَطِيفُ الْأَشْبَاحِ بِمَخَصَائِصِ
رَحْمَتِكَ وَكَاشِفُ الْأَرْوَاحِ بِحَقَائِقِ أَحَدِيَّتِكَ، سَيِّدِي إِنْ
أَطَعْتُكَ فَبِفَضْلِكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَبِجَهْلِي، فَمِنْكَ مُتَوَاصِلَةٌ
إِلَيَّ وَالْحُجَّةُ قَائِمَةٌ عَلَيَّ، يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا
تُخْفِي الصُّدُورُ، أَنْجِزْ لِي (وَعَدَكَ فِي) لُطْفِكَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَأُقْسِمُ بِكَ عَلَيْكَ، فَكَمَا
كُنْتَ دَلِيلِي عَلَيْكَ فَكُنْ لِي (لِي) شَفِيعِي إِلَيْكَ، وَبِسِرِّ هَذَا الْإِسْمِ
الشَّرِيفِ وَمَا حَوَى مِنْ الْأَسْرَارِ الْمَخْزُونَةِ وَاللِّطَائِفِ
الظَّاهِرَةِ الْمَكْنُونَةِ، أَنْ تُسْرِعَ لِي سَرِيانَ لُطْفِكَ الْخَفِيِّ قَبْلَ
نُزُولِ الْمِحْنِ، يَا لَطِيفُ مَا أَسْرَعَكَ لِتَفْرِيجِ الْكَرْبِ فِي أَوْقَاتِ
الشَّدَائِدِ، اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ
الْعَزِيزُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، سُبْحَانَ
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.



[٤٥] - این دعای اسم خداوند تعالی - یعنی « امان » - می باشد که

باید پس از « بسم الله الرحمن الرحيم » ذکر « یا امان » ۹۲ مرتبه

خوانده شود و پس از آن این دعا خوانده شود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ آمِنٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ خَائِفٌ مِنْكَ، فَيَأْمِنُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَيَتَخَوَّفُ أَكُلَّ شَيْءٍ مِنْكَ آمِنٌ مِنْ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، كَهَيْعَتِ كَفَيْتُ حَمَّسَقَ حُمَيْتُ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا، تَحَصَّنْتُ بِدِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَاعْتَصَمْتُ بِدِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ وَرَمَيْتُ كُلَّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ.

و هزار مرتبه بگوید:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى (سَيِّدِنَا) مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲.



[۴۱] - شیخ صهرشتی^۳ در «قبس المصباح» می گوید: ^۴خبر داد

۱- در «ب»: بِخَوْفٍ.

۲- در نسخه «ب» عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بعد از ذکر صلوات دارد، شاید این بسمله جزو ذکری باشد که باید هزار مرتبه گفته شود و یا شاید مربوط به ابتدای مطلب بعدی باشد.

۳- ابوالحسن سلیمان بن حسن صهرشتی عالم فاضل، کامل فقیه، جلیل القدر، تلمیذ شیخ طوسی و سید مرتضی است و از برای او مصنفاتی است از جمله «قبس المصباح» مختصر «مصباح المنهج» است (هدیة الاحیاب، ص ۱۹۰).

۴- این حکایت در کتب مختلف نظیر: بحار الانوار، نجم ثاقب، دعوات راوندی، العبقری الحسان و ... نقل شده است.

ما را شیخ صدوق، ابوالحسن احمد بن علی بن احمد نجاشی صیرفی مشهور به ابن کوفی در بغداد در آخر ماه ربیع الاول سال ۴۴۲ هـ. ق. که استاد ارزشمند و ثقه و راستگوی ما نزد موافق و مخالف بود رضی الله عنه و أرضاه - گفت: خبر داد مرا حسن بن محمد بن جعفر تمیمی قرائتاً^۱، او گفت: ابوالوفای شیرازی - در حالی که می دانم راست می گفت - برایم حکایت کرد: ابوعلی الیاس حاکم کرمان مرا گرفت و به بندم کشید آنان که برایم گمارده شده بودند به من می گفتند که او خیال بدی درباره من دارد، من از گفته آنان مضطرب شدم و خدا را به واسطه پیامبر و ائمه علیهم السلام خواندم.

زمانی که شب جمعه شد از نماز فارغ شدم و خوابیدم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به خواب دیدم، ایشان می فرمودند: به من و دخترم و سبطین برای امور دنیا تو سئل مکن، مگر در چیزی که آن را برای طاعت خداوند تعالی و رضایتش می خواهی.

اما درباره ابوالحسن برادرم، به درستی که انتقام تو را از کسی که به تو ظلم کرده است می گیرد.

گفتم: یا رسول الله، چگونه از کسی که به من ظلم کرده است انتقام می گیرد در حالی که ریسمان به گردنش انداخته شد و انتقام نگرفت و حقش غصب شد و چیزی نگفت؟!

راوی می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متعجبانه به من نظر کردند و فرمودند: آن صبر به خاطر عهده بود که من با او بسته بودم و

۱ - القراءة علی الشیخ: یکی از طرق حمل حدیث است به این نحو که راوی روایت را بر

شیخ خود قرائت می کند و او تأیید می کند، البته نزد بعضی شرایطی دارد.

به خاطر امر من به او بود، پس برای او جایز نبود که به آن عمل نکند و البته عهد را به جای آورد، اما وای بر کسی که متعرض ولی خدا شود.

اما علی بن الحسین او برای نجات از سلاطین و راندن شیاطین می باشد.

محمد بن علی و جعفر بن محمد برای آخرت و هر آنچه که آن را برای طاعت خداوند عزوجل می خواهی می باشند.
به واسطه موسی بن جعفر از خداوند عزوجل طلب عافیت کن.
به واسطه علی بن موسی طلب سلامتی در بیابانها و دریاها را بکن.

جواد را واسطه نزول رزق از خداوند تعالی کن.
و اما هادی، او برای مستحبات و نیکی برادران و هر آنچه که از طاعت خداوند تعالی بخواهی می باشد.
حسن عسکری برای آخرت می باشد.
و اما امام عصر، زمانی که شمشیر به رویت کشیده شود - و با دست به حلقشان اشاره کردند - از او طلب یاری کن، زیرا که او تو را یاری می کند.

پس در خواب صدا زد:

يا صاحب الزمان اذركني فقد بلغ مجهودي.

ای صاحب الزمان، مرا دریاب که طاقتم تمام شده است.

ابوالوفا می گوید: از خواب بیدار شدم در حالی که دیدم گماردگان به من مشغول باز کردن بندهایم هستند.

اما دعایی که خوانده می شود و به وسیله آن به هریک از معصومین - علیهم الصلوة والسلام - توسل می شود در اینجا ذکر می شود، البته در بعضی کتب عباراتی بیشتر از عبارات این دعا آمده است، اما روایت صهرشتی و غیر او چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى ابْنَتِهِ وَعَلَى ابْنَيْهَا، وَأَسْأَلُكَ بِهِمْ
 أَنْ تُعِينَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَأَنْ تُبَلِّغَنِي بِهِمْ أَفْضَلَ
 مَا بَلَغْتَ أَحَدًا مِنْ أَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 إِلَّا أَنْتَقَمْتَ بِهِ مِنْ ظَلَمَنِي وَعَشَمَنِي وَأَذَانِي وَأَنْطَوَى
 عَلَى ذَلِكَ وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْؤُونَةَ كُلِّ أَحَدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 إِلَّا كَفَيْتَنِي بِهِ مَوْؤُونَةَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَسُلْطَانٍ عَنِيدٍ
 يَتَّقَوْنِي عَلَى بَطْشِهِ وَيَنْتَصِرُونَ عَلَيَّ بِجُنْدِهِ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ
 (يَا وَهَّابُ). اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
 (الْبَاقِرِ) وَ(حُجَّتِكَ) جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) إِلَّا
 أَعَنْتَنِي بِهِمَا عَلَى أَمْرِ آخِرَتِي بِطَاعَتِكَ (وَرِضْوَانِكَ) وَبَلَّغْتَنِي
 بِهِمَا مَا يُرْضِيكَ إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

وَلِيكَ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْإِعَافِيَّتِي بِهِ (فِي)
جَمِيعِ جَوَارِحِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الرِّضَاعِيِّ بْنِ مُوسَى (عَلَيْهِ
السَّلَامُ) الْإِسْلَمْتِي بِهِ فِي جَمِيعِ أَسْفَارِي، فِي الْبَرَارِي وَ
الْبِحَارِ وَالْجِبَالِ وَالْقِفَارِ وَالْأَوْدِيَةِ وَالْغِيَاضِ، مِنْ
جَمِيعِ مَا أَخَافُهُ وَأَخْذَرُهُ إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (الْجَوَادِ) عَلَيْهِ
السَّلَامُ الْإِجْدَتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ
وُسْعِكَ وَوَسَّعْتَ عَلَيَّ (مِنْ) رِزْقِكَ وَأَغْنَيْتَنِي عَمَّنْ سِوَاكَ،
وَجَعَلْتَ حَاجَتِي إِلَيْكَ وَقَضَاهَا عَلَيْكَ إِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)
إِلَّا أَعْنَتِي بِهِ عَلَيَّ تَأْدِيَةً فَرُوضِكَ^۱ وَبِرِّ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ،
وَسَهَّلَ ذَلِكَ لِي وَاقْرَنَهُ بِالْخَيْرِ وَأَعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ بِفَضْلِكَ
يَا رَحِيمُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)
إِلَّا أَعْنَتِي بِهِ عَلَيَّ (أَمْرًا) آخِرَتِي بِطَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَ
سَرَرْتَنِي فِي مُنْقَلَبِي (وَمَثْوَايَ) بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

۱- در «ب»: توشعتت به.

۲- در «ب»: فَرُوضِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ
 (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَّا أَعَنْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي بِهِ
 مَوْؤَنَةً كُلِّ مُؤَدٍّ وَطَاغٍ وَبَاغٍ وَأَعَنْتَنِي بِهِ، فَقَدْ بَلَغَ إِلَيَّ
 مَجْهُودِي وَكَفَيْتَنِي بِهِ كُلَّ عَدُوٍّ وَوَهْمٍ (وَوَعْمٍ) وَدَيْنٍ (وَأ)، عَنِّي وَ
 عَنُّ وُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي وَمَنْ يَعْينِي أَمْرُهُ وَ
 خَاصَّتِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۲

روایت دیگری در توسل به هریک از معصومین علیهم السلام :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 وَابْنَتِهِ وَابْنَيْهَا الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا أَعَنْتَنِي
 بِهِمْ عَلَى طَاعَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَبَلَّغْتَنِي بِهِمْ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ
 أَحَدًا مِنْ أَوْلِيائِهِمْ فِي ذَلِكَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنْتَقَمْتَ
 لِي بِهِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْؤَنَةً مَنْ يُرِيدُنِي بِظُلْمٍ
 أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَّا كَفَيْتَنِي بِهِ وَنَجَّيْتَنِي بِهِ مِنْ جَوْرِ
 السَّلَاطِينِ وَنَفْسِ الشَّيَاطِينِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَّا أَعْتَنِي
 بِهِمَا عَلَى أَمْرٍ آخِرْتِي بِطَاعَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ
 الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ لِعِظَمِ لِعِظِهِ عَلَيْهِمَا
 السَّلَامُ الْإِعَاقِيَّتِي بِهِ مِمَّا أَخَافُهُ وَأَخْذَرُهُ عَلَى بَصْرِي وَ
 جَمِيعِ سَائِرِ جَسَدِي وَجَوَارِحِ بَدَنِي مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ،
 مِنْ جَمِيعِ الْأَسْقَامِ^٢ وَالْأَمْرَاضِ (وَالْأَعْلَالِ) وَالْأَوْجَاعِ
 بِقُدْرَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ (اللَّهُمَّ) بِحَقِّ وَلِيِّكَ
 عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الْإِنجِيَّتِي وَسَلَّمْتَنِي بِمَا
 أَخَافُهُ وَأَخْذَرُهُ فِي جَمِيعِ أَسْفَارِي فِي الْبَرَارِي وَالْقِفَارِ وَ
 الْأَوْدِيَةِ وَالغِيَاضِ وَالْبِحَارِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ
 أَبِي جَعْفَرِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِجْدَتَ عَلَيَّ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ
 وَتَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِهِ مِنْ وَسْعِكَ بِمَا اسْتَعْنِي بِهِ عَمَّا فِي أَيْدِي
 خَلْقِكَ وَخَاصَّةً يَا رَبِّ لِأَمِهِمْ وَبَارِكْ لِي فِيهِ وَفِيمَا لَكَ
 عِنْدِي مِنْ نِعْمِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ.

إِلَهِي انْقَطِعَ الرَّجَاءُ إِلَيْكَ وَالْأَمَانُ إِلَيْكَ وَالْأَمَانُ إِلَيْكَ، يَا
 ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ وَاجِبٌ

١- در «ب»: «عليهما».

٢- در «ب»: «الآلام».

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مَا حَظَرْتَهُ
 مِنْ رِزْقِكَ وَأَنْ تُسَهِّلَ ذَلِكَ وَتُيسِّرَهُ فِي خَيْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ
 وَأَنَا فِي خَفْضِ عَيْشٍ وَدَعَايَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَأَسْأَلُكَ
 اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَّا أَعَنْتَنِي
 بِهِ (عَلِيٍّ) قَضَاءِ نَوَافِلِي وَبِرِّ إِخْوَانِي وَكَمَالِ طَاعَتِكَ.
 وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
 الْهَادِي الْأَمِينِ الْكَرِيمِ وَالنَّاصِحِ الثِّقَةِ الْعَالِمِ إِلَّا أَعَنْتَنِي
 بِهِ عَلَيَّ أَمْرٍ آخِرَتِي. وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ
 عِبَادِكَ وَبَقِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ
 أَعْدَاءِ رَسُولِكَ، بَقِيَّةِ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَ(وَارِثِ) أَسْلَافِهِ
 الصَّالِحِينَ، صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
 الْكِرَامِ الْمُتَقَدِّمِينَ الْأَخْيَارِ إِلَّا تَدَارَكْتَنِي (بِهِمْ) وَنَجَّيْتَنِي
 (بِهِ) مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَهَمٍّ وَحُزْنٍ، وَحَفِظْتَنِي عَلَيَّ قَدِيمِ
 إِحْسَانِكَ إِلَيَّ وَحَدِيثُهُ وَأَذْرَزْتَنِي عَلَيَّ جَمِيعَ عَوَائِدِكَ
 عِنْدِي، يَا رَبِّ أَعِنِّي (بِهِ) وَنَجِّنِي مِنَ الْمَخَافَةِ وَمِنْ كُلِّ شِدَّةٍ
 وَعَظِيمَةٍ وَهَوْلٍ وَنَازِلَةٍ وَغَمٍّ وَدَيْنٍ وَمَرَضٍ وَسُقْمٍ وَأَفَةٍ وَ
 ظُلْمٍ وَجَوْرِ وَفِتْنَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، بِمَنِّكَ وَرَأْفَتِكَ

ظَلَمَ وَجَوْرٍ وَفِتْنَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، بِمَنِّكَ وَرَأْفَتِكَ
 وَرَحْمَتِكَ وَكَرَمِكَ وَتَفَضُّلِكَ وَتَعَطُّفِكَ، (يا كافي ابراهيم
 عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَمْرُودَ، وَ) يَا كافي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِرْعَوْنَ،
 وَيَا كافي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (ما اَهَمَّهُ يَوْمَ
 الْأَخْزَابِ) ! وَيَا كافي عَلِيٍّ (بنِ أَبِيطَالِبٍ) صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ
 مَا اَهَمَّهُ يَوْمَ صِفِّينَ، يَا كافي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 يَوْمَ الْحَرَّةِ وَيَا كافي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 أبا الدَّوَانِيقِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَفِنِي مَا اَهَمَّنِي فِي دَارِ
 الدُّنْيَا وَكُلِّ هَوْلِ دُونَ الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
 يَا قَاضِيَ الحَوَائِجِ، يَا وَهَّابَ الرَّغَائِبِ، يَا مُعْطِيَ الْجَزَائِلِ،
 يَا فَكَكَ العُتَاةِ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ قَادِرٌ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِي،
 فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَجَّلْ (يَا رَبِّ) فَرَجَ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ بِنْتِ
 نَبِيِّكَ، وَأَقْضِ يَا اللهُ حَوَائِجَ أَهْلِ بَيْتِ (بَيْتِ) مُحَمَّدٍ، وَأَقْضِ لِي
 يَا رَبِّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۳ صَغِيرَهَا
 وَكَبِيرَهَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَتَمِّمْ (عَلَيْنَا)^۴ نِعْمَتَكَ،

۱- در «ب»: الْأَخْزَابِ مَا اَهَمَّهُ.

۲- در «ب»: عَلَيْنِهِمَا.

۳- در «الف»: حَوَائِجِي.

۴- در «ب» به جای «عَلَيْنَا» «نِعْمَتَكَ عَلَيْنَا» دارد.

وَهَيِّنَّا بِهِمْ كَرَامَتَكَ، وَالْبَسْنَا بِهِمْ عَافِيَتَكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ
بِعَفْوِكَ، وَكُنْ لِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِي
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَكَالِيًّا وَرَاعِيًّا وَسَائِرًا وَرَازِقًا.
مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ. لَا يُعْجِزُ اللَّهُ شَيْءًا طَلَبَهُ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، هُوَ كَائِنٌ هُوَ كَائِنٌ، إِنْ شَاءَ
اللَّهُ تَعَالَى.



[۴۲] - غالب بن قطان^۳ مدت بیست سال به عبادت قیام کرد و از خداوند طلب اسم اعظم کرد، همان اسمی که اگر خداوند به آن خوانده شود پاسخ گوید و زمانی که به واسطه آن از او درخواستی شود خداوند آن حاجت را برمی آورد.
بالاخره در سه شب پیاپی در خواب دید که به او گفته می شود:
ای غالب، چنین^۴ بگو:

يَا فَارِحَ الْهَمِّ وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا صَادِقَ الْوَعْدِ، يَا مُوفِيًّا
بِالْعَهْدِ، يَا مُنْجِزَ الْوَعْدِ، يَا حَيُّ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، صَلَّى اللَّهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ.

۱- در «ب»: هَيِّنِي.

۲- در «ب»: إِلَه.

۳- در برخی نقلها غالب بن يقظان آمده است.

۴- در حاشیه نسخه چاپ سنگی کتاب چنین آمده است: در حاشیه مصباح کفعمی این طور ضبط شده غالب بن يقظان گفته: بعد از مدت ۲۰ سال در نماز ایستاده بودم، شنیدم گوینده ای گفت: ای غالب ساکت شو و بشنو آنچه را خواسته ای، چشمانم را خواب ربود و ایستاده بودم شنیدم گوینده می گوید: یا فارح الغم....

[۴۳] - مضمون عربی رقعہ ای کہ شیخ علامہ، شیخ بہاء الدین عاملی - قدس اللہ سرہ - بہ سلطان عجم، شاہ عباس صفوی رحمہ اللہ نوشت چنین است: «بہ عرض اشرف می رساند دعایی کہ برای ابطال سحر در کف راست مسحور بہ خاک کربلا و آب باران نیشان نوشته می شود چنین است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. یَا مَنْ اَذَلَّ السِّحْرَ بِاِعْجَازِ مُوسٰی
عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا اَلْقٰی عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ تُعْبَاتُ مُبِیْنٌ، اَزِلْ
عَمَّنْ قَصْدَتُهُ سِحْرَ السَّحْرَةِ وَكَيْدَ الْفَجْرَةِ، اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ.

شایسته است کہ شخص مسحور بہ هنگام کتابت این دعا ناشتا باشد و زمانی کہ در کف راستش نوشته شد، تمام دعا را بلیسد و این کار را تمام و کمال انجام دهد، بہ شکلی کہ اثری از آن دعا باقی نماند، این کار را باید در سه روز متوالی انجام داد ان شاء اللہ سحر از او باطل می شود».



[۴۴] - همچنین برای ابطال سحر این اسما ۱۲۵ مرتبہ خوانده می شود:

یَا مُبْطِلَ السِّحْرِ وَیَا مُزِیلَ الْعُسْرِ، یَا فَتَّاحُ یَا فَعَّالُ یَا اللّٰهُ.
کلمہ آخر باید بہ وصل همزه و مدّ لام خوانده شود.

۱ - اصل رقعہ جناب شیخ بہایی رحمۃ اللہ علیہ فارسی بودہ کہ مؤلف کتاب آن را بہ عربی ترجمہ کردہ است و مترجم دوبارہ آن را بہ فارسی ترجمہ کرد.

سپس گفته شود:

يَا مُبْطِلَ السِّحْرِ أَبْطِلْ عَنِّي السِّحْرَ، وَيَا مُزِيلَ الْعُسْرِ أزيلْ
عَنِّي عُسْرَهُ، وَيَا فَتَّاحَ إِفْتَحْ عَنِّي عُقْدَهُ يَا فَعَّالَ إِفْعَلْ بِي مَا
يُصْلِحُنِي مِنْهُ.

سپس دعای اول را باید دوباره ۱۲۰ مرتبه بخواند و در ابتدا و
انتهایش بر پیامبر و آتش عليه السلام صلوات بفرستد که صلوات در آن
شرط است.



[۴۵]- این دعا استغاثه‌ای است به سوی صاحب الزمان عليه السلام، در

هر جا که باشی باید دو رکعت نماز با حمد و سوره بخوانی و
به سوی قبله در زیر آسمان بایستی و بگویی:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ
وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ
وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النَّبُوَّةِ وَ
بَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ
مُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي
الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ
الْمُرْتَضَى، وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ
الْمُرْتَضِينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ
 نِسَاءِ الْعَالَمِينَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْأَيْمَةَ الْحُجَّجِ
 (الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ) عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ
 الْمُهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا ، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا
 بَعْدَ مَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا ، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ
 مَخْرَجَكَ وَقَرَّبَ زَمَانَكَ ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ ، وَأَنْجَزَ
 لَكَ مَا وَعَدَكَ ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ ، وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى
 الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ
 الْوَارِثِينَ . يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ
 حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا (وبه جامي كذا وكذا حاجتس را بگويد)
 فَاسْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا ، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي ، لِعِلْمِي
 أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا مَحْمُودًا ، فَبِحَقِّ مَنْ
 اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ وَارْتَضَاكَ لِسِرِّهِ ، وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ

اللَّهُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نَجْحِ طَلِبَتِي وَإِجَابَةِ
دَعْوَتِي وَكَشْفِ كُرْبَتِي.

پس درباره هر چه می خواهی دعا کن که ان شاء الله برآورده
می شود.^۱



[۴۶] - این آیات مبارکه برای پنهان ماندن از چشم دشمنان باید
خوانده شود و من آنها را هنگام خروجم از بلاد دشمنان در سال
۱۰۹۱ هـ. ق خواندم و آنها را مجرب یافتم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ
أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ، وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى
بَصَرِهِ غِشَاوَةً، فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ،
أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمَعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَ
أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ آيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا
قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ، إنا جعلنا على قلوبهم أكنةً أن يفقهوه وفي
آذانهم وقراً، وإن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذاً أبداً.^۲

۱ - البلد الامين ، ص ۱۵۸ ؛ مشابه این دعا در بحار نیز نقل شده است .

۲ - در نسخه « ب » کتاب اشاره می کند که مؤلف پس از این دعا ، دعای جوشن صغیر و
دعای علوی مصری را ذکر کرده است ولی دعاها را نقل نمی کند . ما هم به تبعیت از او و به دلیل
طولانی بودن دعاها آنها را نقل نمی کنیم و فقط اشاره شد که بر اساس نسخه « ب » این دو دعا
نیز جزو کتاب است ، دعای جوشن صغیر که از ادعیه مشهوره است و در مفاتیح هم آمده ولی
دعای علوی مصری در مهج الدعوات (ص ۲۸۱) نقل شده است .

[۴۷] - دعای احتجاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ۱ :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اِحْتَجَبْتُ بِنُورِ وَجْهِ اللَّهِ الْقَدِيمِ
الْكَامِلِ، وَتَحَصَّنْتُ بِحِصْنِ اللَّهِ الْقَوِيِّ الشَّامِلِ، وَرَمَيْتُ
مَنْ بَغَى عَلَيَّ بِسَهْمِ اللَّهِ وَسَيْفِهِ الْقَاتِلِ.
اللَّهُمَّ يَا غَالِبًا عَلَى أَمْرِهِ وَيَا قَائِمًا فَوْقَ خَلْقِهِ، وَيَا حَائِلًا بَيْنَ
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، حُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ الشَّيْطَانِ وَتَزَعِجِهِ، وَبَيْنَ مَا
لَا طَاقَةَ لِي بِهِ مِنْ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ، كُفِّ عَنِّي أَلْسِنَتَهُمْ وَ
اغْلُلْ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلَهُمْ، وَاجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ سَدًّا مِنْ نُورِ
عَظَمَتِكَ وَحِجَابًا مِنْ قُوَّتِكَ وَسَدًّا مِنْ سُلْطَانِكَ، إِنَّكَ حَيٌّ
قَادِرٌ.

اللَّهُمَّ اغْشِ عَنِّي أَبْصَارَ الظَّالِمَةِ (الناظرين حتى أريد الموارِدَ،
وَأَغْشِ عَنِّي أَبْصَارَ الظَّالِمَةِ (وَأَبْصَارَ المُرِيدِينَ بِالسُّوءِ)
حَتَّى لَا أَبَالِي عَنْ أَبْصَارِهِمْ، يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ

۱ - در حاشیه نسخه «ب» دربارۀ این دعا چنین آمده است: حرز سلطان الاولیا از جمله ادعیه [ای] که جهت غلبه بر اعدا و امن از شرّ اشرار، از ائمه اطهار علیهم السلام منقول است. این دعای عظیم القدر موسوم است به احتجاب و از اسرار الهی است و جامع مراتب دنیوی و اخروی است. مترجم گوید: این دعا، دعای بلند مرتبه‌ای است که خواندن آن شیوه خاصی دارد و برخی علامت‌ها در متن دعا این را نشان می‌دهد، البته در حاشیه «ب» مطالبی دربارۀ شیوه خواندن دعا آمده است که به دلیل ناخوانا بودن ذکر نمی‌شود ولی هر که طالب است به اصلی نسخه مراجعه کند.

۲ - در «ب»: بَجُنْدًا.

بِالْأَبْصَارِ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي
الْأَبْصَارِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. كَهَيْعَتِ (كَفَيْتُ). بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ حَمَعَسَقَ حُمَيْتُ. كَمَا إِذَا نَزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ
بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ، فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ ه هُوَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ
الرَّحِيمُ (مى) يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذَا الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينٍ
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعَ يُطَاعُ ع ع عَلِمْتَ نَفْسُ
مَا أَحْضَرْتَ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ وَاللَّيْلِ
إِذَا عَسَعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ س س ص وَالْقُرْآنِ ذِي
الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ.

سه بار مى گوئى :

شَاهَتِ الْوُجُوهُ وَعَمِيَّتِ الْأَبْصَارُ وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ، جَعَلَتْ
خَيْرَهُمْ بَيْنَ عَيْنَيْهِمْ وَشَرَّهُمْ بَيْنَ قَدَمَيْهِمْ وَخَاتَمَ سُلَيْمَانَ
بَيْنَ أَكْتَافِهِمْ، سُبْحَانَ الْقَادِرِ الْقَاهِرِ الْكَافِي، فَسَيَكْفِيكَهُمْ
اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. ٢ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ
صِبْغَةً، كَهَيْعَتِ إِكْفِنَا، حَمَعَسَقَ إِحْمِنَا وَارْحَمْنَا، هُوَ اللَّهُ

١- در «ب» : ك.

٢- بحار الانوار (ج ٩١، ص ٣٧٨) احتجایى مشابه تا این موضع دارد.

الْقَادِرُ الْقَاهِرُ (الْقَوِيُّ) الْكَافِي، وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
 سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ،
 أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَ
 أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ
 الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
 الرَّحِيمِ، أَلَا تَعْلَوْنَ أَعْلَىٰ وَاتُّونِي مُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَتَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
 إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهَ لِلْحَيِّ
 الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ.



[۴۸] - منقول است^۱ از سیدابن طاووس العلوی رضی الله عنه
 به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر کس تسبیح
 حضرت زهرا علیها السلام را بگوید و بعد از آن این دعا را بخواند، حق
 تعالیٰ جمیع گناهان او را بیامرزد. از ساعتی که این دعا را می خواند
 تا یک سال، از پریشانی و تنگدستی و دیوانگی و خوره و پستی و
 مرگهای بد و از هر بلایی که به سوی زمین نازل گردد عافیت یابد.
 و برای او به سبب این دعا شهادت به اخلاص با ثواب آن تا روز

۱ - دعای (۴۸) در «ب» به فارسی آمده است که ظاهراً جزو کتاب است ولی در «الف»
 اصلاً نه به فارسی و نه به عربی نیست لذا عین آن از نسخه «ب» در متن آورده شده است.

قیامت نوشته شود، و ثواب آن بهشت است. راوی گفت: این ثواب برای او خواهد بود؟! حضرت فرمود: بلکه اگر سالی یک مرتبه بخواند برای او خواهد بود. و دعا این است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا، لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَ
سَعَدَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ
وَاهْلِ بَيْتِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
وَأَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ اللَّهِمْ وَالْإِيْتِمَامَ بِهِمْ وَالتَّضَدِيقَ
لَهُمْ، رَبَّنَا آمَنَّا بِكَ وَصَدَّقْنَا وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَآلَ الرَّسُولِ
فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ صُبِّ الرِّزْقِ عَلَيْنَا صَبَابًا
بَلَاغًا لِالْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا مِنْ أَحَدٍ
مِنْ خَلْقِكَ، الْإِسْعَةَ مِنْ رِزْقِكَ وَطِيبًا مِنْ وَسْعِكَ مِنْ يَدِكَ
الْمَلَأَ عَفَافًا، لَا مِنْ أَيْدِي لِيَامِ خَلْقِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَ
الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَ
السَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، وَأَشْكُرُ
لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي. اللَّهُمَّ لَا تَجِدْ نِي حَيْثُ نَهَيْتَنِي وَبَارِكْ لِي
فِيمَا أَعْطَيْتَنِي، وَارْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ!

[۴۹] - دعا برای رفع غم و طلب حاجات :

این دعا را حضرت امام صادق علیه السلام به جعفر بن ابراهیم هاشمی آموختند .

او می گوید : من به ایشان به خاطر ناراحتی که در قلبم بود و سینه ام تنگ شده بود و فکری که مرا مشغول کرده بود شکایت کردم ، امر کردند که دو رکعت نماز بخوانم و این دعا را بخوانم :

اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي حِينَ يَسُوءُ ظَنِّي وَأَنْتَ رَجَائِي عِنْدَ انْقِطَاعِ
الْحِيلَةِ، وَأَنْتَ عُدَّتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ دَخَلْتُ عَلَى، وَأَنْتَ (رَبِّي)
لَأَنْكَرُكَ فِي كُلِّ مُصِيبَةٍ نَزَلَتْ عَلَى (رَبِّي)، لَا فِي كُلِّ مُصِيبَةٍ
ضَاقَتْ لِي، وَأَنْتَ يَا إِلَهِي مُفْرَجُ كُلِّ بَلْوَى، وَأَنْتَ يَا إِلَهِي فِي كُلِّ
عَظِيمَةٍ تُدْعَى، وَأَنْتَ يَا ذَخْرِي لِكُلِّ شِدَّةٍ تُرْجَى، فَالَيْكَ يَا
مَوْلَايَ الْمُسْتَكِي وَأَنْتَ يَا إِلَهِي الْمُرْتَجَى، فَمَا أَكْبَرَهُمِي إِنْ
أَنْتَ لَمْ تُفَرِّجْهُ، وَأَزَلَّ لِسَانِي إِنْ أَنْتَ لَمْ تُثَبِّتْهُ، وَأَخَفَّ
مِيزَانِي إِنْ أَنْتَ لَمْ تُثَقِّلْهُ، فَأَنَا يَا رَبِّ صَاحِبُ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ
وَالْجُرْمِ الْعَظِيمِ، وَأَنَا يَا سَيِّدِي بَارِزُكَ بِسُوءِ فِعْلِي وَلَمْ يَكُنْ
يَتْنِي وَبَيْنَكَ سِتْرٌ يُوَارِينِي.

اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْعَبْدِ الْمِسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ،
أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ لَمْ يَجِدْ لِذَنْبِهِ غَافِرًا وَلَا لِعَوْرَتِهِ سَاتِرًا

وَلَا لِعَشْرَتِهِ مُقِيلًا غَيْرَكَ، وَأَنَا يَا رَبِّ عَبْدُكَ الَّذِي
 اعْزَزْتَ، وَأَنَا الْعَاثِرُ الَّذِي أَقَلَّتْ فَمَا شَكَرْتُ وَلَا قَبِلْتُ
 نَصِيحَتَكَ، وَأَنْتَ مُفَرِّجُ كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ صَاحِبُ كُلِّ أَحَدٍ،
 وَأَنْتَ كَاشِفُ ضُرِّ أَيُّوبَ وَأَنْتَ غَافِرُ ذَنْبِ دَاوُدَ، وَأَنْتَ
 رَادُّ يُوسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ وَأَنْتَ سَامِعُ صَوْتِ يُونُسَ
 الْمَكْرُوبِ، وَأَنْتَ نُورُ النُّورِ وَأَنْتَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ. وَأَسْأَلُكَ
 يَا رَبِّ بِنُورِكَ الَّذِي لَا يَقْرُ لِهَيْبَتِهِ الْأَرْضُ وَلَا يَقُومُ لَهُ
 السَّمَاءُ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ. أَسْأَلُكَ النِّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزَ
 بِالْجَنَّةِ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ
 وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ.

جعفر بن ابراهیم می گوید: قسم به پروردگاری که هیچ خدایی جز او نیست، به منزلم بازنگشتم مگر اینکه حاجتم برآورده شد و ناراحتی ام از بین رفت. و هرگز در طول عمرم این دعا را بر ظالمی نخواندم، مگر اینکه خداوند مرا در برابر او یاری کرد. و آن را نزد مریضی نخواندم مگر اینکه شفا یافت. و آن را در ناراحتی نخواندم مگر اینکه خداوند ناراحتی ام را برطرف کرد و حاجتم را برآورد. و خداوند به صواب آگاهتر است.



در اینجا کتاب موسوم به «الكلم الطيب و الغيث الصيب» پایان یافت.